

اکثریت

نشریه سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در خارج از کشور

دوشنبه ۱۶ شهریور ۱۳۶۶ - پراپر ۷ سپتامبر ۱۹۸۷
بها ۸۰ - ریال - سال چهارم - شماره ۱۷۳

محکومیت مجدد رژیم خمینی به خاطر جنایتکارانه ترین شکل نقض حقوق بشر

خمینی، نشانه انزوی هر چه فزاینده تر این رژیم و ناشی از مهستگی گسترده مردم جهان با مردم ایران است. شره عناد گستاخانه (و گریزناپذیر) رژیم ولایت فقیه با افکار عمومی جهان و اراده بشریت آزادخواه، رسوایی بازم بیشتر این حاکمیت قرون وسطایی است •

جمهوری اسلامی به عنوان رژیم با دستهای خون آلود، محکوم شناخته می شود. در اردیبهشت ماه نیز از سوی سازمان عفو بین الملل، گزارشی انتشار یافت که طی آن جمهوری اسلامی به خاطر نقض فاحش حقوق بشر و جنایات بی حد در زندانها محکوم گردید. اعلام انزجار مکرر مجامع رسمی جهانی نسبت به تبهکاریهای رژیم شفاک

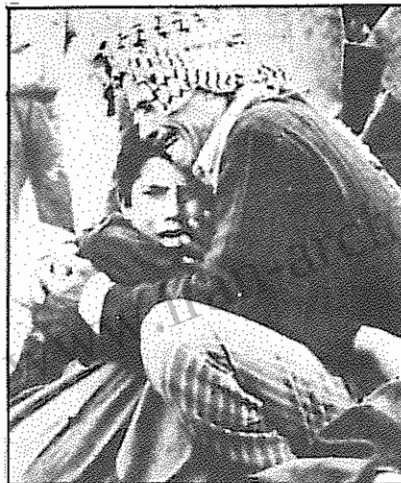
کمیته فرعی کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد با تصویب قطعنامه ای جمهوری اسلامی را به نقض خشن و آشکار حقوق بشر محکوم کرد. در قطعنامه کمیسیون که با اکثریت آرا به تصویب رسید، به اعدام دهها هزار نفر به توسط رژیم خمینی اشاره شده است. این چندمین باری است که در کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل

نقدینگی بخش خصوصی در ۱۰ سال ۱۰ برابر شد

بهرانی حاد، تمامی کنش و واکنش اقتصادی کشور را به کام کشیده است. دیر زمانی است که دیگر سخن از بحران زدگی این ویا آن عرصه اقتصادی در بین نیست، امروز می بایست تنها از حاکمیت بحران بر تمامیت اقتصاد سخن راند. در بازشناسی و دریافت علق و ابعاد بحران حاکم بر کشور، برخی از عوامل و مولفه ها نقش محوری و کلیدی ایفا می کنند و از آن بین - عوامل بازتابگر و نمایش دهنده دامنه و علق بحران اقتصادی - رشد فزاینده نقدینگی بخش خصوصی است. نقدینگی بخش خصوصی را اگر چه در چارچوب مسائل اقتصادی مورد بررسی قرار می دهند، اما آنگاه که این عامل - انباشت نقدینگی صاحبان مال و منال - ره به عرصه اجتماع می برد، خود یکی از عوامل موثر در ناپایداری ها و کج هندریهای اجتماعی بحساب می آید. از در حادثه، رژیم جمهوری اسلامی نیز که کتمان حقایق اقتصادی بسیاری بقیه در صفحه ۶

برآمد جنگ شهرها و نفت کش ها

برتری نیروی هوایی خود تکیه دارد. سردشت، با تویخانه مورد حمله قرار گرفت، اما به شهرهای دیگر در استانهای مرکزی، اصفهان، همدان، آذربایجان شرقی و خوزستان با بقیه در صفحه ۲



سردشت در هفته گذشته باز شاد
محنه هایی این چنین بود

تحریکات عراق و جنگ طلبی رژیم خمینی یکدیگر را تکمیل کردند. هردو رژیم، حمله به مناطق مسکونی و نفت کش ها را از سر گرفتند و در زمینه چنایکاریهای تازه، سریعاً به توافق رسیدند.

حمله به شهرها

با حمله عراق به تعدادی از تأسیسات صنعتی در استانهای آذربایجان شرقی و همدان، در روز یکشنبه ۸ شهریور، جنگ شهرها بالا گرفت. جمهوری اسلامی بلافاصله اعلام کرد که بصره را گلوله باران خواهد کرد. گلوله باران بصره از بعد از ظهر روز ۸ شهریور آغاز شد. جمهوری اسلامی علاوه بر بصره چند شهر دیگر عراق از جمله زبیره، العماره، قلعه بیکی، شیعیه و ام القصر را زیر آتش توپخانه قرار داد.

عراق در حمله به شهرها بر

هفته گذشته جنگ در زمینه حمله به مناطق مسکونی و حمله به نفت کش ها و دیگر هدفهای دریایی، اوج گرفت. در روز پنجشنبه هفته جاری (۱۰ سپتامبر) خاویز پرزد کوئینار به تهران و پس از آن به بغداد سفر خواهد کرد و احتمال دارد به مناسبت این سفر، حملات متقابلی که از ابتدای هفته پیش آغاز شد، متوقف شود.

دور تازه حملات را عراق آغاز کرد. عراق سه هفته پیش اعلام کرد که از حمله به نفت کش ها اجتناب خواهد ورزید. سفیر عراق در آمریکا دو هفته پیش این حرف دولت متبوع خود را پس گرفت و در هفته گذشته رژیم عراق اعلام کرد از آنجایی که جمهوری اسلامی از آتش پس عملی یک ماه و نیمه در عرصه دریا برای صدور هر چه بیشتر نفت ایران به منظور تأمین بودجه مالی تداوم جنگ استفاده می کند، تا زمانی که جمهوری اسلامی قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل را نپذیرفته است، به جنگ در عرصه دریا ادامه خواهد داد.

درهای بازار کار به روی زنان بسته است

می توان در روزنامه های حکومتی نیز مشاهده نمود، در زمینه ممنوعیت هایی که در مورد استخدام زنان در واحدهای اداری و تولیدی وجود دارد، گزارشی در نشریه زن روز به تاریخ سی و یکم مردادماه درج شده است. کراحت اندیشه و نفرت انگیزی کار کرد فقهای حاکم در برخورد با زنان چنان است که حتی در گزارش این مجله دولتی نیز به آسانی می توان آن را دریافت. این گزارش بی نیاز هرگونه توضیحی است و خود رسوایی کارکرد عفوئ اندیشه فقها را می نمایاند. بخشی هایی از این گزارش را در صفحه ۷ می خوانید

پائین ترین طبقات جهنی زمینی پرتاب می شوند. حق کار، حق برخورداری از حمایت های قانونی، حق طلاق، حق سرپرستی اطفال در صورت جدایی از شوهر، حق تنها عسر شوهر خود بودن، حق برابری با مردان، حق انتخاب پوشش، حق ... تمامی این حقوق در رژیم ملایان به شدیدترین شکل پایمال می شود. زن ایرانی در جمهوری اسلامی از هیچ حقی برخوردار نیست. در رژیم خمینی، دو "حق" برای زنان به رسمیت شناخته شده و کاملاً مراعات می شود: حق کار در خانه و حق اگشته شدن در جنگ. وضعیت زنان در تمامی عرصه ها آنچنان اسفناز است که بازتاب ضعیفی از آن را حتی

در متون و احادیث اسلامی و در سرزمینهای ملایان، برای ترساندن مردم، جهنم چندین «لقه ای تصویر می شود که پائین ترین «اسفل السافلین»، «اسفل السافلین» و مخوف ترین عذاب هاست. جمهوری اسلامی پائین ترین طبقه جهنم واقعی و «اسفل السافلین» عینی برای زنان رنجدیده میهنان است. آنان علاوه بر اینکه همچون پدر و برادر و پسر خود استثمار می شوند وستم می بینند، بخاطر زن بودن در نظامی مبتنی بر استثمار، رنجی مضاعف را متحمل می شوند و به دلیل زن بودن در کشوری که شریعتمداران سرمایه پناه بر آن حکومت می کنند به

در این شماره

تحویل اسلحه سوئدی

به جمهوری اسلامی از طریق آفریقای جنوبی
در صفحه ۲

صمد در «بایاتی» های آذربایجان

در صفحه ۹

بیداد قرون وسطایی

در روستاهای استان خوزستان

در صفحه ۸

قتل بنانده ۲۵ ساله ایرانی در آلمان فدرال

در صفحه ۱۲

برآمد جنگ شهرها و نفت کش ها

بقیه از صفحه اول

جنگنده های هوایی حمله شد. در هر شهر تعداد کثیری کشته و مجروح برجا ماندند. سر دشت تماما غزادار گشت. در واحدهای صنعتی عده ای از کارگران قربانی چنایتکاری های خمینی و صدام حسین شدند. خمینی یکبار دیگر نشان داد با جنگ طلبی خود خواهان چه صحنه های فجیعی در گوشه و کنار کشور است.

جنگ نفت کش ها

جنگ نفت کش ها مجددا پس از یک وقفه ۴۵ روزه از روز شنبه ۷ شهریور با حملات عراق آغاز شد و با حملات متقابل ادامه یافت. از روز شنبه ۷ شهریور تا ظهر روز شنبه ۱۴ شهریور، عراق به ۱۴ کشتی تجاری در آبهای خلیج فارس حمله برد. جمهوری اسلامی نیز حمله به کشتی های تجاری را از سر گرفت. کشتی های مورد حمله دارای پرچم کره جنوبی، یونان، لیبیا، کویت، اسپانیا، قبرس، عربستان و ژاپن بودند. کشتی ژاپنی حامل نفت ایران بود. با حمله به یک نفت کش متعلق به عربستان دو نفر کشته شدند. این امر بر میزان تشنج در روابط تهران و ریاض افزود. حمله به کشتی کویتی "چهل علی" کویت رادر استفاده از پرچم آمریکا و کمک طلبیدن از ناوهای جنگی آمریکایی برای اسکورت نفت کش های کویتی، مصرتر کرد. در سه نوبت از سوی جمهوری اسلامی به سواحل کویت موشک پرتاب شد. جمهوری اسلامی مستقیما مسئولیت پرتاب موشک به سوی سواحل کویت را بر عهده نگرفت و بر آنها "موشکهای سرگردان" نام نهاد.

ژاپن پس از مورد حمله قرار گرفتن یکی از نفت کش های خود به توسط جمهوری اسلامی، اعلام کرد که دیگر به خلیج فارس، نفت کش نخواهد فرستاد. این امر برای جمهوری اسلامی مشکلی جدی در زمینه صدور نفت به ژاپن ایجاد خواهد کرد. ژاپن یکی از مهمترین مشتریهای نفت ایران است.

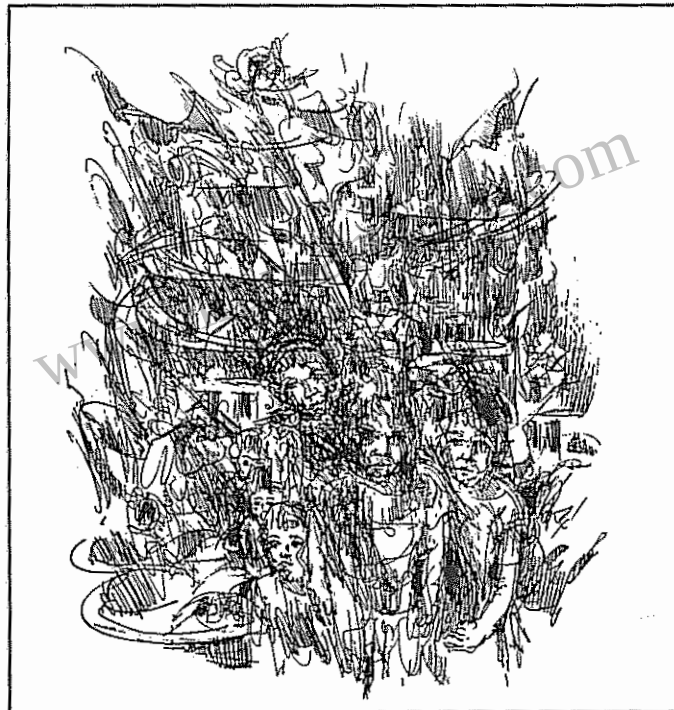
موضع آمریکا

در جریان بالا گرفتن جنگ نفت کش ها، به کشتی های کویتی دارای پرچم آمریکا چشم زخمی

نرسید. آنها در دو نوبت در معیت ناوهای جنگی آمریکا از تنگه هرمز گذشتند. اما این امر به هیچ رو برای این استفاده تبلیغاتی دستگاه دولتی آمریکا کفایت نمی کرد، که ناوگان جنگی آمریکا برای حفظ آرامش به خلیج فارس رفته اند. بیخ گوش آنها جنگ جریان داشت و رفت و آمد در آبهای بین المللی مختل شده بود. این امر بر شدت لحن منتقدین از سیاست دولت ریگان در قبال مسائل خلیج افزود. منتقدین درون خود دستگاه حاکمه آمریکا تاکید کردند که تشنج حاصل از حضور ناوگان ایالات متحده در خلیج فارس برای آمریکا چندان

درماندگی و انزوا

برده خونبار تازه هفته گذشته در نمایش فاجعه بار جنگ باز هم پرده به نمایش درآمدن درماندگی رژیم خمینی بود. عراق با چهره ای موجه،



ایستکار عمل را در دست داشت و جمهوری اسلامی غرش کنان دنبال رو حادتر بود. ایده آل جمهوری اسلامی آن است که جنگ نفت کش ها خاتمه یابد، رژیم به وفور نفت بفروشد، دلارهای حاصل از آن را در کوره جنگ بریزد، سلاح بخرد، کرور کرور نیرو به جبهه بفرستد، جهانیان چشمشان را ببندند و صرفا برای نتایج حملات گسترده، "تعیین کننده" و باصطلاح "نهایی" رژیم کف بزنند. واقعیت ها از این ایده آل چنایتکارانه بسیار فاصله دارند و هر آن بیشتر فاصله می گیرند. فشار اقتصادی، فشار اجتماعی و فشار بین المللی از رژیم

صرفه ای در بر ندارد و این مداخله جویی به خطراتش نمی ارزد. منتقدین در مقاله ای در نیویورک تایمز نوشتند که "جهان به ریش آمریکا (در واقع دعاوی صلیب جویانه آمریکا در منطقه) می خندد". اما حرف مقامات رسمی و تصمیم گیرنده، چیز دیگری بود. آنها به بالا گرفتن جنگ نفت کش ها به عنوان دلیلی برای تقویت حضور نظامی آمریکا در منطقه استناد جستند. این بهانه جویی می تواند دلیلی بر صحت این گزارش خبرگزاری یونایتد پریس باشد که عراق به درخواست آمریکا جنگ نفت کش ها را آغاز کرد تا

توانایی تحرک را سلب کرده اند، اما با این وجود خمینی تقلا می کند تا مدت زمان بیشتری بر طبل جنگ بکوبد.

یکی از عمده ترین مشخسه های فاز فعلی جنگ، افزایش فشار بین المللی است. فشار بین المللی رژیم را در عرصه جهانی منزوی ساخته است. در هفته گذشته، یک دیپلمات آلمانی که از سوریه دیدار کرده بود به خبرنگاران اظهار داشت که تهران در انزواست و سیاستمداران جمهوری اسلامی نسبت به انزوایی که برایشان بسیار مشکن آفرین است، آگاهی دارند. (روزنامه "دی ولت" - اول سپتامبر)

جمهوری اسلامی به تدریج سوریه را نیز از دست می دهد. ملک حسین اخیرا پس از بازگشت از سوریه نسبت به فاصله گیری دمشق از تهران بسیار اظهار امیدواری کرده است. در هفته گذشته، پس از بالا گرفتن جنگ نفت کش ها، کویت و عربستان باز بیشتر به جانب عراق خزیدند و ملال محیط بر خلیج فارس را تنگ تر کردند. اما آنچه که اکنون ذهن رهبران جمهوری اسلامی را به خود متوجه کرده نه اساسا جنگ نفت کش ها و مقابله جویی کویت و عربستان، بلکه پاسخی است که باید به دبیر کل سازمان ملل در تهران ارائه دهند. جهان در انتظار نتایج سفر خاویر پریز دو کوئیار به تهران و بغداد است.

سفر پریز دو کوئیار به تهران

در روزهای آخر هفته گذشته سفر خاویر پریز دو کوئیار، دبیر کل سازمان ملل به تهران و بغداد قطعیت یافت. بر طبق خبری که در روز جمعه ۱۲ شهریور (۴ سپتامبر) در روزنامه های بین المللی انتشار یافت دو کوئیار قرار است که روز ۱۹ شهریور (۱۰ سپتامبر) به تهران سفر کند. شورای امنیت دو کوئیار را موظف ساخته است که تنها در چارچوب قطعنامه ۲۰ ژوئن مبنی بر ضرورت برقراری آتش بس بین ایران و عراق، پارهمبران جمهوری اسلامی به مذاکره بنشینند.

این سفر اهمیتی به مراتب فراتر از سفر دبیر کل سازمان ملل به تهران و بغداد در سال ۱۳۶۴ - که اساسا به قصد پایان دادن به جنگ شورها صورت گرفت - دارد. رژیم در مذاکره با دو کوئیار در تهران مجبور است پاسخ روشنی به قطعنامه ۲۰ ژوئن شورای امنیت دهد. جمهوری اسلامی علیرغم لحن منفی و کینه توزانه خود نسبت به این قطعنامه، هنوز بدان بطور رسمی

تحويل اسلحه سوئدی به جمهوری اسلامی از طریق آفریقای جنوبی

اسرار آمیزی به قتل رسید.
شرکت بوفورس همچنین با جعل ۵۰ سند صادرات، موشکهای ضد هوایی "روپوت ۷۰" به ایران، عراق، بحرین، کویت و چند کشور دیگر خاور میانه صادر کرده است. ناظران معتقدند این صادرات گسترده با اطلاع مقامات دولتی سوئد صورت گرفته است.

به گزارش منبوعات سوئد، قایقهای آلومینیومی مورد استفاده سپاه پاسداران در خلیج فارس نیز ساخت کارخانه ای در نزدیکی استکهلم است. ●

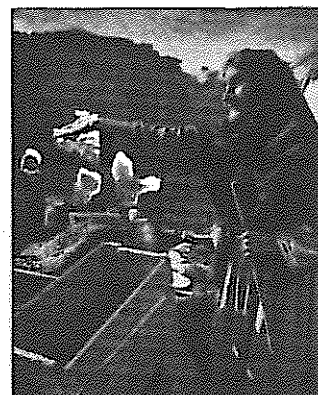
فروخت.
بازرس گمرک سوئد افزود بوفورس با جعل اسناد چنین وانمود کرده است که یوگسلاوی کشور خریدار باروت بوده است. به گفته اولسون، شرکت "نوپل کمی" نیز که آن هم متعلق به صنایع نوپل است، از طریق آفریقای جنوبی چندین تن باروت به رژیم خمینی فروخته است.
خود نیز گزارشهایی در مورد معاملات تسلیحاتی بوفورس با رژیم خمینی رچ کرده بود. در سال گذشته، کارل آلگرنون بازرس گمرک سوئد در پی انجام تحقیقاتی در این باره، به نحو

اداره تحقیقات گمرک سوئد اعلام کرد شرکت اسلحه سازی بوفورس در معامله ای جهت تحويل ۶ هزار تن باروت به ایران شرکت کرده و با این اقدام، قوانین سوئد را نقض کرده است. هانس اولسون بازرس ویژه گمرک سوئد در استکهلم گفت معامله مزبور در فاصله ۱۹۸۴ تا ۱۹۸۷ انجام شده و مهمات، بعضاً از طریق آفریقای جنوبی برای رژیم خمینی ارسال شده است. بوفورس که متعلق به صنایع بزرگ نوپل است، در سال ۱۹۸۵، ۹۰۰ تن باروت از شرکت هلندی "موثیدن کمی" خریداری کرد و این مقدار باروت را به جمهوری اسلامی

پاسخ نداده است. برخورد در مجموع مردانه رژیم به این قطعنامه، نه نشان دهنده رگه هایی جدی از انعطاف در سیاست و اعتقادات جمهوری اسلامی، بلکه نشان دهنده ابعاد فشار بین المللی است.

تاثیر بر آمد جنگ شهرها و نفت کش ها

آیا با برآمد تازه جنگ شهرها و نفت کش ها، روند تازه در زمینه جنگ تغییر مسیر داده و یا احتمالاً تغییر مسیر می دهد؟ به این سؤال با قطعیت می توان پاسخ منفی داد. مشخصه روند تازه ناتوانی و درماندگی و انزواي بیشتر رژیم و افزایش فشار بین المللی است. افزایش تشنج نه تنها این مشخصه را زایل نمی کند، بلکه در جهاتی پررنگ تر می سازد. اما یک نکته واقع بینانه در سؤال فوق، می تواند این معنی باشد که آیا با افزایش حملات جنگی، از بار مثبت تاثیر گذاری های مشخصات عمده روند تازه کاسته نشده است و یا کاسته نمی شود؟ بی گمان برآمد جنگ همواره تاثیرات منفی خود را بر روی چشم انداز آینده به جا می نهد، اما برآمدهایی این چنینی تاکنون نه استثنای بلکه قاعده بوده اند و بر پستر همین قاعده روند تازه شکن خفته است. از سوی دیگر مشخصه های روند تازه وزن و بار خود را حفظ کرده اند و می توان جدا از تاثیر کننده و یا تسریع کننده حوادث اخیر در جنگ شهرها و نفت کش ها، تأزمانی که روند فعلی هویت خود را حفظ کرده است و فاکتورهای عمده دیگری به میدان نیامده است، بر آنها چشم دوخت و تاثیرات آنان را بر روی سیر وقایع دنبال کرد. رویدادهای چند هفته آینده و مهمتر از همه سفر پرزد و کوئینار به منطقه و اجلاس عمومی سازمان ملل متحد، حیطه این تاثیرات را روشن تر خواهد ساخت. ●



رژیم در مانده است اما باز چنین می کند و چنین می خواهد

سمپوزیوم علیه جنگ ایران و عراق

مختلفی که نام برخی از آنها در زیر به چشم می خورد با اعلام حمایت از این اقدام، پیکار خلقهای ایران و عراق برای دستیابی به صلح و دمکراسی را مورد پشتیبانی قرار دادند.

— یانیس ریتسوس، شاعر بزرگ یونان
— میکس نفوراکیس، آهنگساز نامی
— پروفیسور استیونس روز-بریتانیا
— پروفیسور جان کارف — ایالات متحده آمریکا
— دانیل وگو-فرانسه
— کورت ویتینگ هدف — آلمان فدرال
— اتحادیه ملی روزنامه نگاران بریتانیا... ●

بر دو کشور، اوضاع منطقه و صلح جهانی)
— موقعیت فرهنگی در ایران و عراق
— وضعیت دانشجویان، جوانان و کارگران در دو کشور
— زنان در ایران و عراق
حزب کمونیست آلمان، حزب کمونیست عراق، حزب سبزها، اتحادیه جهانی دانشجویان، فدراسیون بین المللی جوانان دمکرات، ... و جوانان پیشگام ایران برخی از نیروهای بودند که با اعزام نماینده به این سمپوزیوم در برنامه های آن شرکت کردند.
شخصیت ها و سازمانهای مترقی

بنا به دعوت انجمن دانشجویان عراقی در آلمان فدرال، از روز ۶ تا ۹ شهریور (۲۸ تا ۳۱ اوت) سمپوزیومی در شهر کلن برگزار گردید.
عنوان این سمپوزیوم که توسط پترشوت شاعر و نویسنده آلمانی و سختگوی کمیته علیه جنگ خلیج گشایش یافت، "برای پایان یافتن فوری جنگ ایران و عراق و همبستگی با خلقهای دو کشور در مبارزه برای صلح و دمکراسی" بود.
مباحث مورد بحث در سمپوزیوم مزبور عبارت بودند از:
— جنگ ایران و عراق (سابقه تاریخی، تاثیر اقتصادی و اجتماعی آن

دوازدهمین جشنواره ارگان حزب کمونیست دانمارک

صلح را باید حفظ کرد

همبستگی با اسیران شکنجه کاههای خمینی با استقبال شرکت کنندگان روبرو گردید.
در جنب محوطه همبستگی با احزاب و سازمانهای کمونیست و ترقیخواه مقیم دانمارک، چادر زنان دموکرات دانمارک برقرار بود که بخشی از برنامه های آن به بحث پیرامون اوضاع زنان در نقاط مختلف جهان اختصاص داشت. یک زن فدایی با حضور در این غرفه به سخنرانی پیرامون سلب وحشیانه حقوق زنان در ایران توسط ارتجاع حاکم و خواست زنان و کودکان میهن مان مبنی بر برقراری صلح، آزادی و رهایی اجتماعی مبادرت نمود. حاضرین با استقبال از سخنان وی، پشتیبانی خود را از زنان ایران اعلام کردند. ●

صلح عمومی را از زبان هزاران شرکت کننده، فریاد کرد.
فداییان خلق از جمله نیروهای ایرانی شرکت کننده در این جشن بودند که با پرپایی غرفه تبلیغی به افشاکری علیه سیاستهای جنگ طلبانه رژیم آزادی کش خمینی و بازگویی حماسه رزم خلقهای ایران در راه صلح و آزادی پرداختند.
برگزاری جشنواره ارگان حزب کمونیست دانمارک که با کسترش بازتاب جهانی اخبار مبارزات زندانیان سیاسی ایران در مقابله با جنایتکاریهای جمهوری اسلامی همزمان بود، عرصه تبلیغ انقلابی در این زمینه را نیز بیش از پیش فراهم کرده بود. فعالیت نیروهای مترقی ایرانی بر محور تحکیم جنبش جهانی

"صلح را باید حفظ کرد".
این شعار مرکزی دوازدهمین جشنواره "لندفالک" ارگان حزب کمونیست دانمارک بود که در روزهای ۱۵ و ۱۶ اوت (۲۴ و ۲۵ مرداد) با شکوه چشمگیری برگزار شد.
در این جشنواره دهها هیئت نمایندگی از روزنامه های احزاب کمونیست و مترقی کشورهای گوناگون، و همچنین نمایندگان نیروهای پیشرو و جمعیت های صلح دوست دانمارکی و خارجی شرکت داشتند.
بیش از ۱۵۰ هزار نفر از غرفه ها و برنامه های متنوع هنری ملل مختلف در این جشنواره بازدید کردند.
در دومین روز حزب کمونیست دانمارک با پراهم انداختن کارناوال ضد جنگ در محل، شعار صلح و خلیج

انتخابات مجلس فروردین سال آینده برگزار می شود

داشت که اقدامات وی پویزه در مورد استاندانان، جهت ایجاد "هماهنگی با خد دولت" در وزارت کشور صورت گرفته است. همین مهره چینی ها مناقشات جناحها را چنان تشدید کرد که ناطق نوری از سوی محشمی به باند بازی و دسته بندی علیه دولت موسوی متمم شد.

در این دوره نیز مثل دو دوره سابق ۲۷۰ تن به مجلس اسلامی راه خواهند یافت. ۲۰ تن از این عده از شهری، شیرانات و تهران خواهند بود.

در مصاحبه محشمی درباره چگونگی برگزاری انتخابات، گفته شد که این بار برخلاف دوره قبل نه شورای نگهبان بلکه وزارت کشور و هیات های اجرایی منتخب آن "این قدرت را دارند که انتخابات یک صندوق را متوقف یا ابطال کنند". در دوره گذشته شورای نگهبان انتخابات اصفهان و چند شهر دیگر را که کانون درگیری جناحها بود، باطل کرد.

روز چهارشنبه ۴ شهریور موسوی اعلام نمود که دو تن از وزیران جهت شرکت در مجلس از کابینه دولت وی کناره گیری خواهند کرد.

به گزارش خبرگزاری جمهوری اسلامی، محشمی وزیر کشور روز پنجشنبه ۵ شهریور اعلام نمود انتخابات دوره سوم مجلس اسلامی فروردین ماه ۱۳۶۷ در سراسر کشور برگزار می شود. پناهه گزارش همین خبرگزاری، نام نویسی از کاندیداهای دوره سوم مجلس شورای اسلامی در اسفند ماه سال جاری انجام خواهد گرفت.

در این گزارش به علت تغییر زمان انتخابات از اسفند ماه به فروردین ماه اشاره ای نشده است. در تیر ماه سال جاری محشمی طی مصاحبه با روزنامه کیهان اعلام کرده بود انتخابات دوره سوم در دهه سوم اسفند برگزار می شود. وی در این باره توضیح داده بود، وزارت کشور پس از بررسی در زمان متفاوت یعنی فروردین سال آینده و اسفند ماه سال جاری به این نتیجه رسید که برگزاری انتخابات در سال ۶۶ برای جمهوری اسلامی مشکلات کمتری دارد.

وزیر کشور برای تدارک برگزاری انتخابات ۹۹ تن از منصوبین ناطق نوری وزیر کشور را در این وزارتخانه چاپا و یا برکنار کرد. محشمی اعلام

آموزش نظامی دانشجویان اجباری شد

سالجاری در مورد دانش آموزان و دانشجویان است. پیش از این نیز "طرح دانشگاه در جبهه"، "طرح پاسدار - دانش آموز" و طرح سازمان رزمی دانش آموزان به تصویب رسیده بود. به موجب "طرح سازمان رزمی دانش آموزان" از سال تحصیلی آینده دانش آموزان با لباس نظامی در کلاس حضور خواهند یافت.

طرح های فوق، افزون بر برنامه ها و طرح های پاسداران و کمیته و بسیج برای کشاندن جوانان دانشجویان آموزش آموز به جبهه است.

به تصویب شورای عالی پشتیبانی جنگ، چند واحد درسی جدید به نام "انقلاب و جنگ" بر تعداد واحدهای اجباری که دانشجویان دانشگاههای کشور باید بگذرانند، افزوده شد. این مطلب را رضایی فرمانده پاسداران اسلامی روز شنبه در جمع عده ای از "دانشجویان رزمده" دانشگاه امیرکبیر اعلام کرد. "انقلاب و جنگ" نام تازه آموزش نظامی دانشجویان است که از این پس گذراندن آن اجباری شده است.

الزامی شدن واحد درسی "انقلاب و جنگ"، چهارمین مصوبه شورای عالی پشتیبانی جنگ طی

انفجارهای پی در پی در تهران

این انفجارها در میان اهالی تهران طرح شد، از طریق خبرگزاری جمهوری اسلامی به نقل از "یک مقام آگاه" اعلام نمود که صدای انفجارها مربوط به برگزاری یک مانور بود و "مساله خاصی" رخ نداده است.

چهارشنبه شب و صبح روز پنجشنبه، چهارم و پنجم شهریور صدای انفجارهای متوالی و معیبه منطقه شرق تهران را به شدت لرزاند. صدای انفجارها از کیلومترها فاصله شنیده شد و مردم دچار اضطراب و هراس شدند.

رژیم جهت تکذیب اخباری که پیرامون علت

تولید بیش از سهمیه اعضای اوپک

به گزارش رویتر "ریلوانولفمان" رئیس اوپک روز سه شنبه سوم شهریور اعلام کرد کمیته های اوپک که مسئول نظارت و کنترل تولید و قیمت هادر بازارهای آزاد هستند روز ۱۶ شهریور (۷ سپتامبر) در وین تشکیل جلسه خواهند داد. رئیس نیجریه ای، سازمان اوپک همچنین اظهار داشت، در نیمه دوم سال ۸۷ میلادی اوپک حداکثر یک الی ۱/۲ میلیون بشکه در روز بیش از حداکثر سقف تولید رسمی سازمان (۱۶/۶ میلیون بشکه در روز) تولید خواهد کرد.

به گزارش همین خبرگزاری، نشریه بررسی اقتصادی خاور میانه، تولید اوپک در ماه اوت را قریب ۱۹/۷ میلیون بشکه در روز برآورد کرده است. بر اساس ارزیابی نشریه مذکور، بیشترین حجم تولید مازاد بر سهمیه کشورهای عضو اوپک به حوزه خلیج فارس پویزه به عراق مربوط می شود. طبق برآوردهای به عمل آمده، لیبی و نیجریه نیز از سهمیه رسمی خود فراتر تولید کرده اند. پناهه گزارشهای اوپک، مازاد تولید نیجریه و لیبی بین ۱۰۰ تا ۲۰۰ هزار بشکه است.

تولید جاری امارت متحد عربی طبق نوشته مجله "بررسی اقتصادی خاور میانه"، روزانه به ۱/۶ میلیون بشکه بالغ می شود که این میزان نزدیک به هفت صد هزار بشکه مازاد بر سهمیه این کشور است.

آقازاده وزیر نفت جمهوری اسلامی تاکید کرده است که در اجلاس آتی جمهوری اسلامی با سهمیه آزاد عراق مخالفت خواهد کرد.

مصاحبه مطبوعاتی موسوی

روز چهارشنبه ۴ شهریور، موسوی نخست وزیر طی مصاحبه رادیو و تلویزیونی، مواضع جمهوری اسلامی در زمینه ادامه روابط با غرب و عربستان سعودی، استعفای دو تن از وزیران و ترمیم کابینه، نقش سوریه در جنگ ایران و عراق، قطعنامه شورای امنیت و تغییر شروط جمهوری اسلامی برای پایان دادن به جنگ را تشریح کرد.

موسوی در مورد مناسبات رژیم با عربستان اظهار داشت، بعد از پلوی مکه، روابط دو کشور "لطمه جدی دیده است و دیگر نمی تواند مانند گذشته باشد". وی افزود، روابط سیاسی جمهوری اسلامی با عربستان، از این به بعد در پایین ترین سطح خود خواهد بود.

موسوی در ادامه سخنان خود در مورد روابط با "غرب" ضمن اشاره به این نکته که مأموریت نیروهای جمهوری اسلامی در برخورد با نیروهای آمریکا "سری" و غیر قابل طرح در گفتگوی مطبوعاتی است، اعلام نمود جمهوری اسلامی امکانات گسترش روابط با کشورهای "واقع بین" غربی را فراهم کرده است.

در این مصاحبه خبرنگاران، پی سی از آمریکا با اشاره به سخنان لاریجانی در نیویورک مبنی بر اینکه سقوط مدام جزو شرایط جمهوری اسلامی برای پایان دادن به جنگ نیست، نتیجه گرفت که در محافل سیاسی مطلب را به عنوان احتمال تغییر شروط جمهوری اسلامی و تعدیل مواضع آن ارزیابی کرده اند. موسوی پاسخ داد "چنین مطلبی را شنیده ام و آنچه که جمهوری اسلامی بارها اعلام کرده تنبیه متجاوز است."

بازهم درباره گوشت

چگونه است که ساله گوشت حل نمی شود؟ و امور سازمان گوشت نظام نمی یابد؟ چرا این سازمان با مصرف کنندگان هماهنگی ندارد؟ وقتی که بوسله کوبن مصرف را محدود می کنند چرا از عهده تامین همین نیاز محدود نیز بر نمی آیند؟

چرا این سازمانها برنامهریزی مشخص ندارند؟ مردم مستاصل بایستی روزها قبل از طلوع آفتاب در هر مغازه لباسی صف بکشند تا ساعت هفت صبح گوشت فروش از راه برسد و اعلام کند که آبا گوشت

چگونه است که ساله گوشت دارد یا ندارد و بالاخره معلوم شود که سمطلی بسپش از دو ساعت برای تامین یک تن گوشت اساسی بی نتیجه بوده یا نه.

جالب است که هر قصابی حدود ۱۰ نفر راهپاسخگوست و بقیه افراد صف باید روزهای آینده تویل زحمت مضاعف نمایند.

در حالیکه کوبن ۳۰۰ نفر قصاب باطل می شود (قرار بود که کوبنی بماسل شود)

مجالا صف تعداد کسبیری از خانواده ها قادر به تامین نیاز خود از طریق کوبن نشده اند.

مصرف کنندنده مستاصل گوشت

خبرهایی از میان آنچه که در کارخانه‌های گذرد

راهپیمایی زنان زحمتکش در اسلامشهر چاده ساره

رژیم از تامین ابتدایی‌ترین نیازهای مردم درمانده است. اکنون در اکثر محلات زحمتکش نشین حاشیه تهران، زحمتکشان به آب آشامیدنی دسترسی ندارند. چندی پیش در اسلامشهر واقع در چاده ساره نبود آب آشامیدنی باعث گردید که زنان زحمتکش این شهرک با بستن چاده به روی وسایط نقلیه و با شعار "مرگ بر شهردار" ترافیکی بطول چندین کیلومتر بوجود آورند. بدنبال وعده و وعیدهای امام جماعت شهرک و مسئولین، چاده باز شد ولی زنان در ادامه اعتراض خود همراه با وسایط نقلیه تا محل شهرداری با شعار "مرگ بر شهردار" راهپیمایی کردند.

معیار ارزیابی شایستگی معلمان

در مردادماه سال جاری، به معلمان بسیاری از شهرها پرسشنامه‌هایی داده‌اند که به ازای هر سؤال مطرح شده در این پرسشنامه‌ها، امتیازی برای معلمان منظور خواهد شد که مجموعه این امتیازات، معیار نقل و انتقال و ترفیع آنان قرار خواهد گرفت. بخش اصلی و تعیین کننده این سؤالات، مربوط به موقعیت معلمان در خارج از مدرسه است و هیچ ربطی به شایستگی‌های شغلی وی ندارد. مدت زمان شرکت در جبهه‌های جنگ ویرانگر، و یا جزو خانواده کشته‌شدگان جنگ برون مسائلی از این قبیل بخش عمده سؤالات را تشکیل می‌دهد که امتیازات ویژه آنها علما سایر امتیازات حرفه‌ای معلمان را تحت الشعاع قرار می‌دهد.

اخراج زنان شاغل از ارتش

رژیم در نظر دارد زنان شاغل در ارتش را بازنشسته، بازنحید و اخراج نماید. گفته می‌شود عده‌ای از آنان نیز به تشخیص مسئولین به وزارت بهداری و آموزش و پرورش منتقل خواهند شد. این طرح اکنون در دست اجرا است.

بود که به تصمیم مسئولان از شرکت در جام لودز لهستان بازماند.

استعفای سرمربی تیم ملی کشتی آزاد چند روز پیش از آغاز مسابقات کشتی آزاد قهرمانی جهان که در شهر کلرمون فرانسه برگزار شد، صورت گرفت. مسابقات کلرمون فرانسه روز ۲۸ مرداد آغاز شد. در این مسابقه‌ها ۲۱۵ کشتی‌گیر از ۴۹ کشور جهان شرکت کردند. ورزشکاران ایران به تصمیم "کمیته برون مرزی" و مسئولان جمهوری اسلامی از حضور در این مسابقات محروم شدند.

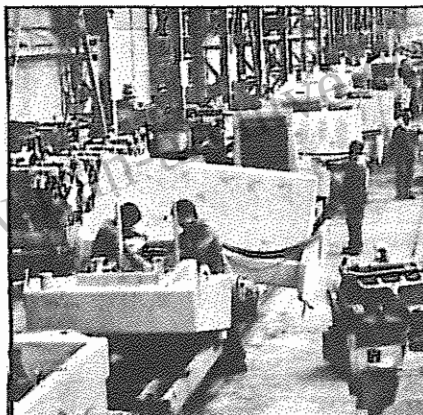
مطبوعات جمهوری اسلامی در مورد عدم شرکت ورزشکاران ایران در این مسابقات، مدعی شدند که فرانسه به آنها ویزا نداده است. در حالیکه رئیس فدراسیون کشتی فرانسه ضمن رد ادعای مطبوعات و مسئولان جمهوری اسلامی اعلام کرد که تا زمان آغاز برگزاری مسابقه‌ها هیچ‌گونه درخواستی از طرف ایران جهت رفع مشکل روادید صورت نگرفت و ضمناً با توجه به دعوتنامه رسمی فدراسیون کشتی ایران ایران نیازی به روادید نداشتند.

علاوه بر سرمربی تیم ملی کشتی، آهنگساز، رئیس هیات فوتبال تهران نیز هفته گذشته استعفا کرد.

مدتهاست که اکثر واحدها به حالت تعطیل در آمده است و تنها واحد گوگرد آن مشغول به کار است و کارگاه مرکزی کارخانه فقط کارهای فنی را انجام می‌دهد.

● در مردادماه، یکبار دیگر عده‌ای از کارگران دوب آهن اصفهان به قید قرعه به جبهه‌های جنگ اعزام شدند. اعزام اجباری کارگران به جبهه‌های جنگ، مطابق یک برنامه زمانبندی شده صورت می‌گیرد که بر پایه آن کارگران مجبورند به مدت ۴۵ روز در جبهه‌ها بمانند.

● بعد از ماه رمضان طبق تصمیم مدیریت کارخانه آرد و ناهار کارگران این کارخانه قطع شد. مسئولین کارخانه در ایام این ماه پایش شایعه قطع ناهار زمینه‌های آنرا بوجود آوردند و پس از چند روز آنرا رسماً اعلام نمودند. همچنین در کارخانه آرد و ناهار اطلاعیه‌ای از کارگران و کارکنان آن خواسته شده است که خود را دواطلبانه بازنحید نمایند.



● کارگران کارخانه جنرال صنعتی در اواخر خردادماه بخاطر اعتراض به حقوق معوقه و قطع نهار و اختصاص سرویس‌های کارخانه به جبهه‌های جنگ دست به اعتصاب زدند. این اعتصاب بدنبال یورش نیروهای سرکوبگر و مسلح سپاه منجر به دستگیری چند تن از کارگران گردید و حرکت اعتراضی کارگران به زور سرنیزه مزدوران سپاه و اداره حفاظت کارخانه سرکوب شد. اما کارگران با ادامه اعتصاب بر سر دستگامهای کارخانه، مسئولین کارخانه را مجبور به آزادی کارگران دستگیر شده نمودند.

● بواسطه مردادماه مسئولین کارخانه بنز خاور با توسل به انواع ترفندها و تهدیدها توانستند، نزدیک به نیمی از کارکنان این کارخانه را بطور دسته‌جمعی وادار به بازنحید نمایند.

● پائین آمدن تولید در کارخانه ارج منجر به تبدیل به شیفت کار به یک شیفت شده است. تاکنون در نتیجه این رکود تولید، عده زیادی از کارگران این کارخانه در دو نوبت اخراج و نیز مجبور به بازنحید شده‌اند.

● چندی پیش در پی اختصاص دوی میلیون تومان از وجوهات شرکت پرسی گاز به جبهه‌های جنگ ویرانگر توسط مدیرعامل سرسپرده و چند تن از حزب الهی‌های این شرکت، کارکنان پرسی گاز بطور دسته‌جمعی به این اقدام خودسرانه مدیریت اعتراض کردند. در نتیجه گسترش اعتراض، مدیریت سرکوبگران سپاه پاسداران راه کارخانه فرخواند و اعتراض کارگران با دخالت مزدوران سپاه سرکوب شد.

● در کارخانه شیمیایی رازی در بندر ماهشهر-

افزایش نرخ بیمه کشتی‌ها

برای آبراه‌های خلیج فارس

در پی اوج‌گیری حملات ایران و عراق به کشتی‌های بازرگانی و تانکرهای نفتی در خلیج فارس، شرکت بیمه لویدز تصمیم گرفت حق بیمه کشتی‌هایی را که در این منطقه تردد می‌کنند بازم افزایش دهد. روز پنجمین ۱۲ شهریور سخنگوی این شرکت در مورد علت افزایش مجدد نرخ بیمه کشتی‌ها گفت:

طی ۵ روز پیش از ۱۱ فروند نفتکش و کشتی بازرگانی در خلیج فارس آسیب دیدند و از همین طریق زیانهای سنگینی به شرکت‌های بیمه وارد شده است.

لازم به یادآوری است که ماه گذشته شرکت بیمه لویدز با آغاز درگیری دریایی جمهوری اسلامی و عراق و برگزاری "مانور شهادت" در دریا توسط جمهوری اسلامی که به توقف تردد بیش از ۵۰ کشتی در تنگه هرمز منجر شد، نرخ بیمه را ۱۲۵ درصد افزایش داد.

از میان دیگر رویدادها

● رسانه‌های خبری جهان روز شنبه ۱۷ شهریور اعلام کردند دولت کویت در اعتراض به حملات موشکی جمهوری اسلامی به خاک این کشور، ۵ تن از دیپلماتهای رژیم جمهوری اسلامی را به عنوان "عناصر نامطلوب" از کویت اخراج کرد.

● دولت ترکیه اعلام کرد ۹۵ ایرانی مسلح را که در خاک خود بازداشت کرده بوده دولت ایران بازگردانده است. این‌ها از نیروهای پاسدار جمهوری اسلامی بودند که در جریان انجام مأموریت نظامی خود در عراق وارد خاک ترکیه شده بودند. این گروه بزرگ پاسداران در برابر نیروهای نظامی ترکیه تسلیم شدند. مقامات ترک پس از اطلاع از هویت پاسداران، آنها را به ایران هدایت کردند. این عده چهار روز پیش از دستگیری به منظور انجام عملیات نظامی در منطقه کردستان عراق، وارد خاک ترکیه شده بودند.

● محمد رضا نوایی سرمربی تیم ملی کشتی آزاد از ست خود استعفا کرد. مجله کیهان ورزشی ۲۴ مرداد، ضمن اعلام این مطلب نوشت، نوایی از جمله کسانی

نقدینگی بخش خصوصی در ۱۰ سال ۱۰ برابر شد

می‌یابد، در نقدینگی بخش خصوصی و افزایش مستمر آن بشدت موثر بوده است. کسری بودجه رژیم که محسوس ورشکستگی ارزی و مالی دولت می‌باشد، از طریق استقراض از سیستم بانکی و بوسیله انتشار بی‌رویه اسکناس تأمین می‌شود. مقایسه منحنی کسری بودجه در رشد نقدینگی بخش خصوصی نشان می‌دهد که در تمامی این سالها، بین این دو عامل رابطه‌ای مستقیم برقرار بوده است. همه ساله با افزایش کسری بودجه و پیدایش انتشار اسکناس، نقدینگی بخش خصوصی نیز افزایش یافته است. بر اساس آمار دولتی، نرخ افزایش نقدینگی بخش خصوصی از ۱۱ درصد در سال ۶۴ به ۱۵ درصد در سال ۶۵ افزایش یافت و چنانکه گفته شد در سال جاری از مرز عدد نجومی ۱۰۲۰۰ میلیارد ریال فراتر رفته است. حجم مجموعه اسکناس و مسکوک منتشره تنها در فاصله زمانی سال ۵۷ تا ۶۱ - بیش از دو پيش گرفتن سیاست انبساطی شدید - دو برابر شد. در همین فاصله زمانی مجموعه سپرده‌های دیداری بخش خصوصی بیش از ۴ برابر افزایش یافت و تنها اسکناس و مسکوک موجود در دست اشخاص دو برابر شد.

حقیقت محض است که رژیم جمهوری اسلامی برای پیشبرد سیاستهای خرد و از جمله پیشبرد جنگ و سرکوب، باعث برآوردن نقدینگی بخش خصوصی گشته است. اسناد و آمارهای دولتی به وضوح بر آن دلالت دارند که رژیم از یکسو با درپیش گرفتن سیاست انبساطی، بر حجم گردش پول در جامعه افزوده است و در عین حال قدرت جذب پول توسط سیستم بانکی کشور را ندارد. دولت جمهوری اسلامی در واقعیت امر با اعتراف بر افزایش مداوم نقدینگی بخش خصوصی، قصد دارد تا نقش ویژه خود در افزایش نقدینگی بخش خصوصی و از جمله اتخاذ سیاست انبساطی در اقتصاد پحران زده را از اذهان پنهان دارد.

مختصات

نقدینگی بخش خصوصی

در تعریف نقدینگی بخش خصوصی گفته شد که نقدینگی بخش خصوصی عبارتست از پول و شبه پول موجود در دست اشخاص. اینک باید این "اشخاص" تعریف شوند. برای باز شناختن اشخاصی که پول و شبه پول را در دست دارند، باید به نحوه توزیع درآمد و اصولا نحوه گردش پول در بقیه در صفحه ۹

برآمده از تولید سرمایه دارانه کالا، بخودی خود قادر است که بر عملکرد تولیدی ثقات مستقیم اعمال نماید. جامعه مفروضی که اسبیت به مثابه "مدل" کار خود انتخاب کرده بود و ایده‌هایی که وی در انطباق با خصوصیات چنین مدلی ارائه نموده بود، با غلبه تدریجی انحصارات بر اقتصاد جوامع سرمایه‌داری درهم ریخت و دولت در کشورهای سرمایه‌داری از وظیفه بیشتر و بیشتری در امر کنترل و هدایت برخوردار شد. به مجموعه نقش دولت در عرصه اقتصاد، سیاست پولی و مالی نام نهاده‌اند. دولتهای سرمایه‌داری از طریق کارگرفت این سیاستها، با

عبارتست از مجموعه اسکناس‌ها و مسکوک‌های موجود در دست افراد باضافه مجموع سپرده‌های دیداری - شامل سپرده‌های تعهددار از جمله چک که بانک در برابر آن متعهد به پرداخت بلادرنگ است - بانضمام سپرده‌های غیردیداری که به آن شبه پول اطلاق می‌شود و شامل سپرده‌های پس‌انداز و مدت‌دار می‌شود. در یک کلام، نقدینگی بخش خصوصی عبارتست از پول - اسکناس، مسکوک و چک - شبه پول - سپرده‌های پس‌انداز و مدت‌دار - موجود در دست اشخاص. در خصوص نحوه توزیع و پراکندگی این نقدینگی در بین گروههای مختلف اجتماعی، در بخش دیگری از این



جمهوری اسلامی حجم پول در گردش را به میزان سه‌برابر افزایش داده است

مقاله، خواهیم پرداخت.

نقدینگی بخش خصوصی

و کارکرد دولت

با گذار سرمایه‌داری مبتنی بر رقابت آزاد به سرمایه‌داری انحصاری، باورهای نخستین مکانیسم کارکردی و تنظیم‌کننده روند تولید و بازتولید رابطه سرمایه و کالا که از سوی آدام اسمیت اقتصاددان انگلیسی ارائه شده بود، درهم ریخت. بر اساس نظریه اسبیت بازار مبتنی بر رقابت آزاد بین تولیدکنندگان، بخودی خود از طریق عملکرد عرضه و تقاضا، رابطه و نظم تولید و توزیع را برعهده می‌گیرد. بر اساس نظریه اسبیت، دولت کمترین نقش و سهمی را در اداره و کنترل فعالیتهای اقتصادی برعهده نداشته و منطق

بقیه از صفحه اول

را پیشه ساخته است، از اعتراف به افزایش نقدینگی بخش خصوصی تن نمی‌زند، در واقعیت امر، رژیم می‌کوشد تا با پنهان ساختن عوامل مولد و موثر در حیات و رشد نقدینگی بخش خصوصی - که رژیم خود یکی از خالقین اصلی آن است - همه ناپامانی‌های اقتصادی و اجتماعی محیط پرکشور را صرفا به آن نسبت داده و بدین ترتیب از شر "واقعیت مزاحم" رهایی یابد. تاکنون، روزنامه‌های دولتی، دست اندرکاران امور اقتصادی رژیم و همچنین شماری از انتشارات آماری "مرکز آمار ایران"، اطلاعات و داده‌های معینی پیرامون افزایش نقدینگی بخش خصوصی ارائه داده‌اند. جدا از تنوع در بیان این پدیده در بین منافع دولتی پیش گفته، جعلی را در این عرصه فصل مشترکی است و آن اینکه با اعتراف به بخشی از حقیقت، کن حقیقت را پنهان کنند.

اخیرا روزنامه دولتی کیهان با انتشار سلسله مقالاتی - به مناسبت هفته دولت - به مسئله نقدینگی بخش خصوصی پرداخته است. این روزنامه اعلام کرده است که میزان نقدینگی بخش خصوصی در فاصله زمانی سالهای ۵۶ تا ۶۶، ده برابر شده و از حدود ۱۰۰۰ میلیارد ریال در سال ۵۶ به ۱۰۲۰۰ میلیارد ریال در سال ۶۶ رسیده است. افزایش ده باره نقدینگی بخش خصوصی و تبدیل شدن میزان آن به یک رقم نجومی، بی‌گمان یکی از عوامل بازتابگر حدت پحران اقتصادی کشور و تجلی دهنده اوج شیرازه گسیختگی حیات اقتصادی است. نظری بر مختصات، عوامل مولد و متعدد و همچنین عواقب رشد نقدینگی بخش خصوصی بیافکنیم.

نقدینگی بخش خصوصی

چیست؟

همانگونه که پیش از این اشاره شد، نقدینگی بخش خصوصی یکی از شاخص‌های سنجش میزان پحران در کشورهای سرمایه‌داری است. نخست ضرورت دارد که در معنی اقتصادی و واقعی نقدینگی بخش خصوصی تأمل گردد. نقدینگی بخش خصوصی به معنای یکی از مقولات اقتصادی

درهای بازار کار به روی زنان بسته است

در مورد دلایل این ممنوعیت پافشاری کردیم گفتند که باید با حجت الاسلام متبهری رئیس بخش سیاسی - عقیدتی سازمان صحبت کنیم... آقای متبهری در صحبت تلفنی اظهار کردند که اساساً هر گونه کار کردن خانمها در خارج از منزل مخالفند. البته مشاغل چون تدریس در مدارس دخترانه و یا برخی از کارهای بیمارستانی را مستثنی نمودند. و (گفتند) البته در بعضی کارخانجات اینجا... خانمهایی داریم که در خط تولید کار می کنند اما اساساً مساله خانمها و راهیابی آنها به این گونه مشاغل به نظر من یک امر طبیعی نیست... وقتی مامی گوئیم جامعه اسلامی و حکومت اسلامی، معیارها هم باید اسلامی باشد. اگر به هر احی بچشمی که نمی تواند نقشه کش ساختمان باشد، آیا خواسته ایم شخصیت او را خرد کنیم یا از مقام ورزش او بکاهیم؟ در ایجاد اجتماعی هم به همین شکل است. رسالت خانمها در مساله تربیت فرزند، یک رسالت کمی نیست... این طور نیست که حالا اگر یک خانمی بپاید وزمام جامعه ای را به دست گیرد و استاندار و فرماندار شود، شخصیتش در آن تبلور یافته، اساساً مسئله در این است که خانمها به نظر بنده بزرگترین رسالتشان همان تربیت اولاد است که فرزندان صالح و شایسته ای تحویل جامعه دهند... در اینجا یادار بعضی از ادارات دیگر هیچ لزومی ندارد که خانمها باشند. ●

یامرد بودن نیروی کار مورد نیاز خود دارند، ولی بسیاری از این مراکز پس از اینکه داوطلبانی زن به آنها مراجعه می کنند، با عنوان کردن این مطلب که ترجیح می دهند با آقایان کار کنند و یا اینکه کار آنها طوری است که از عهده خانمها خارج است و یا آنکه کلاً با کار کرد خانمها مخالف هستند، از پذیرفتن زنان خودداری می کنند.

یک خانم لیسانس علوم تربیتی نیز از عدم موفقیت خود در یافتن شغل چنین می گوید: در خرداد سال ۶۴ فارغ التحصیل شدم و از آن هنگام، در بدر به دنبال کار هستم... تمام پسرهای هم دوره مادر یک جایی شاغل هستند اما اکثر ما دخترها را مثل توپ فوتبال از این اداره به آن اداره پاس می دهند... در فروردین گذشته آگهی استخدامی از طرف سازمان صنایع دفاع در چاپ به چاپ رسید. ابتدا پسرپرست دایره استخدام سازمان تماس گرفتیم و سؤال کردیم که آیا خانمها نیز می توانند متقاضی کار باشند؟

خیر
چرا؟
- برای اینکه از سال ۶۲ مجوز برای استخدام خانمها نداریم.

در مورد مسئولیت هایی نظیر مدیریت بعضی قسمتها برای خانمها در داخل اداره نیز چون مدیر ممکن است در طول روز ۲۰ یا ۴۰ مراجعه کننده مرد داشته باشد برای صحبت و مشورت با آنان مجبور است در اتاق به تنهایی ملاقاتشان کند لذا به دلیل اینکه حضور زن و مرد نامحرم در یک اتاق حرام است، چنین پست هایی را نیز نمی توان به خانمها محول کرد.

نشریه زن روز در بخشی از گزارش خود نوشته است: "برای اینکه با مشکلاتی که خانمها در یافتن شغل دارند آشنا شویم پاتنی چند از آنان به صحبت نشستیم. یکی از آنان مهندس راه و ساختمان است. می گوید: "من به وزارت راه مراجعه کردم که گفتند باید برای استخدام خانم مهندس، از وزیر مربوطه کسب اجازه کتبی کنیم!... همچنین اداره پژوهشهای وزارت نفت نیاز به مهندس راه و ساختمان داشت. مصاحبه فنی را انجام دادند... بعد که کار به استخدام رسید گفتند برای استخدام خانم مهندس باید از وزیر اجازه بگیریم.

... اغلب مراکزی که به دنبال نیروی کار هستند و تقاضای خود را از طریق آگهی استخدام به اطلاع عموم می رسانند، مشخصاً تاکید می کنند

بقیه از صفحه اول

"شانس احراز مشاغل - در مشاغل که هم مرد می تواند انجام دهد و هم زن - برای زنان کمتر از مردهاست. یعنی اگر شانس را در یک شغل به شش قسمت تقسیم کنیم شانس زنان در احراز آن شغل یک از شش می شود... عملکرد سال ۶۴ مراکز کاربایی وزارت کار نشان می دهند که در کل کشور، از میان افرادی که توسط این مراکز برای احراز شغل به موسسات و اداراتی که فرصت خالی شغلی داشته اند، معرفی شده اند، ۹۴ درصد را مردان و تنها ۶ درصد را زنان تشکیل می دهند."

"در پی تماسهایی که با ادارات و کارخانه ها و موسسات مختلف که آگهی استخدام در روزنامه ها چاپ می کنند داشتیم، برخی از موسساتی که تحت پوشش سازمان صنایع ملی بودند، ابراز می کردند که با این مسئله، ای که در سال ۶۴ از طرف سازمان صادر شده است، استخدام خانمها ممنوع می باشد... رئیس کارگزینی دیوان محاسبات در جواب اینکه چرا فقط آقایان را استخدام می کنید، پاسخ داد که از سال ۵۸ هیچ خانمی در این اداره استخدام نشده و این کار ممنوع است.

معاون طرح و برنامه (دیوان محاسبات) ... دلایل خود را به طور شفاهی برای روشن شدن ذهن ما مطرح کردند که ماحصل آن چنین بود:

"اولاً چون برخی از پست های این سازمان، مأموریت های چندروزه در ماه دارد، لذا خانمها از عهده چنین کاری بر نمی آیند. ثانیاً در مورد کارهایی که در داخل شهر انجام می شود نیز چون مجبورند گروهی متشکل از خانمها و آقایان را برای بررسی حساب های ادارات به خارج از ساختمان اداره بفرستند و چون این افراد باید در یک اتاق واحد به کارهای خود رسیدگی نمایند، از نظر شرعی صحیح نیست زنان و مردان نامحرم در یک اتاق باشند و جلسه تشکیل دهند. ضمن آنکه برخی از این خانمها از مهد کودک و امکانات رفاهی اداراتی که به حساب های آنها رسیدگی می کنند، استفاده می نمایند، لذا ممکن است به علت بعضی ملاحظات، کارهای خود را با صداقت و امانت انجام ندهند و در پاره ای موارد اغماضهایی نسبت به تخلفات مالی ادارات داشته باشند.



کارخانه خوراک دام و طیور و نیز مجتمع پرورش ماهی که وابسته به کشت و صنعت کارون هستند به بخش خصوصی سپرده شده اند.

در نتیجه سیاستهای کارگرتیز رژیم، وضعیت کارگران رسمی و کارگران فصلی کشت و صنعت کارون روز بروز بدتر و وخیم تر می شود. کارگران این مجتمع تا بحال در اعتراض به این شرایط چند بار در سالی ۶۲، ۶۴، ۶۵ دست به اعتصاب زده اند. آخرین اعتراض آنان که در "اکثریت" شماره ۱۶۵ خبر آن انعکاس یافت، به صورت تحصن در ۶ تیرماه سال جاری صورت گرفت که به لحاظ وسعت و شرکت تمامی پرسنل مجتمع در آن یکی از فرازهای مهم مبارزات کارگران کشت و صنعت کارون بشمار می آید. این حرکت اعتراضی در عین حال از بزرگترین حرکات مبارزاتی کارگران ایران در سال جاری نیز محسوب می شود. تحصن دراز مدت تیرماه در ارتقا روحیه رزمنده کارگران کشت و صنعت تاثیر بسزائی بر جای نهاد.

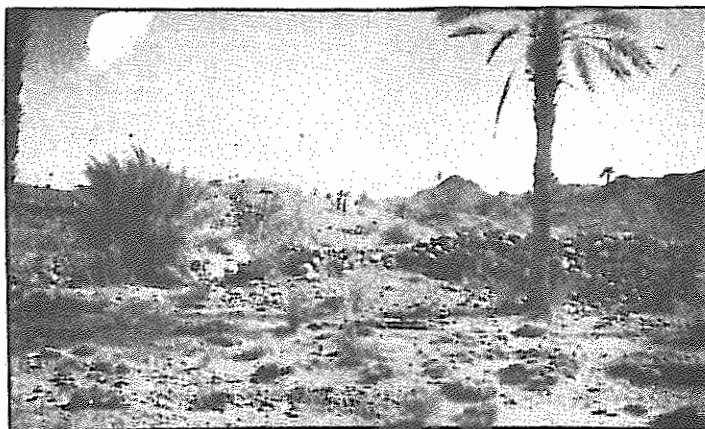
فشار مضاعف

بر روستائیان خلق عرب

سیاستهای ویرانگر رژیم در روستاهای خوزستان، بیش از همه بر زندگی دهقانان عرب تاثیر فلاتکته باری گذاشته است. رژیم دهقانان عرب را بطرز وحشیانه ای مورد ستم قرار می دهد. علاوه بر آنکه صدها هزار روستایی عرب ساکن منطقه مرزی ایران و عراق، بر اثر جنگ وحشیانه خمینی هنوز کماکان در پیغوله های اطراف شهرها به بدترین شکل ممکن پسمی برند، گروهی دیگر از آنان، بوسیله رژیم کوچ اجباری داده شده اند. مسئولین رژیم در خوزستان، در پائیز و زمستان سال ۶۴، قبل از شروع عملیات موسوم به والفجر ۸ (عملیات فار) روستائیان عرب ساکن در اطراف آبادان و شادگان و نیز مناطق ماهین این دو شهر را به بهانه اینکه عده ای از شیوخ با رژیم عراق همکاری می کنند، از این مناطق به اطراف بهبهان و رامهرمز کوچ اجباری دادند. روستائیان زحمتکش در مقابل این اقدام ظالمانه رژیم دست به مقاومت زدند، اما در مقابل سرکوب وحشیانه و لهام گسیخته پاسداران نتوانستند خانه و کاشانه خود را حفظ کنند.

رژیم در بین ساکنین عرب و خوزستان، تنها با شیوخ عرب روابط برادرانه دارد. شیوخ عرب روز بروز تحت حمایت های همه جانبه مسئولین

بیداد قرون وسطایی در روستاهای خوزستان



تومان، ماهانه خرج جنگ ویرانگر می کنند، با عدم زهکشی زمین های مرغوب این منطقه، تدریجاً تمامی منابع کشاورزی خوزستان را به نابودی می کشاند. اکنون تمام زمینهای مرغوب نوار مرزی ایران و عراق، حتی تا عمق ۸۰ کیلومتری خاک ایران بر اثر عدم زهکشی غیر قابل استفاده شده اند. در صورتی که با بودجه ناچیزی می شد مانع نابودی و سوختن این زمین ها گردید.

وضعیت کشت و صنعت کارون

یکی دیگر از ابعاد فاجعه بار سیاست های رژیم را می توان در وضعیت فعلی مجتمع های کشت و صنعت خوزستان، بویژه کشت و صنعت کارون واقع در ۲۵ کیلومتری شوشتر مشاهده کرد. هم اکنون کشت و صنعت کارون، با نزدیک به ۱۰ هزار پرسنل بر اثر جنگ و بی لیاقتی مسئولین آن در حال ورشکستگی و در معرض تعطیلی قرار دارد. در نیمه اول سال ۶۵، بر اثر بهمانشای مکرر رژیم عراق عملاً قسمت اصلی کارخانه از کار افتاد و به جز یک آسیاب بقیه بطور کامل تخریب شدند. در نتیجه تخریب این قسمت ها، در فصل برداشت نیشکر در تابستان سال ۶۵ محصول حدود ۲۴ هزار هکتار نیشکر برداشت نشد. در جریان این بهمانشاهای، حداقل ۳۰۰ کارگر کشته و بیش از ۵۰۰ نفر مجروح شدند. رژیم در جهت واگذاری مجتمع های کشت و صنعت به سرمایه داران، تاکنون کامیابی نیز برداشته است و اکنون زمینهای واگذاری کشت و صنعت به بخش خصوصی را هم فراهم می کند. تاکنون

ورشکستگی بسیاری از دهقانان منطقه گردیده است. خرده مالکان که توان رقابت با سرمایه داران بازار را ندارند، غالباً به علت عدم توانایی در فروش محصولات خود در بازار از ادامه کار بازمی مانندند. رژیم با واگذاری زمین های دهقانان خوزستان به بزرگ مالکان که تنها باعث خانه خرابی روستائیان گردیده است، که با هموار کردن زمینهای غارت سرمایه داران خرده مالکان را نیز به ورشکستگی سوق داده است. از هم اکنون آثار این ورشکستگی را در افزایش هر چه بیشتر فقر دهقانان و نیز رشد سریع مهاجرت دهقانان به شهرها می توان مشاهده کرد.

"سرختن" اراضی کشاورزی

در کنار گسترش به طاق سرمایه داران بازار در زمین های کشاورزی خوزستان، طی سال های اخیر به لحاظ بهره برداری غیر اصولی از زمین های مرغوب و به خاطر عدم آبی و زهکشی به موقع آن ها که به تبعیت از تامین سود حداکثر صورت می گیرد درصد قابل توجهی از بهترین زمین های قابل کشت خوزستان بویژه، زمین های اطراف اهواز، کت عبدالله، زمین های اطراف حمیدیه و پستان و بخشی از زمین های شادگان غیر قابل استفاده شده اند و به قول روستائیان "سرختنه اند".

صرفه نظر از استفاده بی رویه و غیر اصولی سرمایه داران از زمین های کشاورزی خوزستان، دولت نیز با عدم رسیدگی و توجه به این زمین ها خطر بسیار بزرگی را برای آینده کشاورزی این استان به وجود آورده است. رژیم جنگ طلب در شرایطی که میلیاردها

بقیه از صفحه آخر

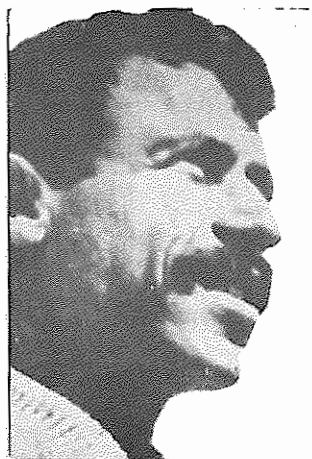
سوسنگرد - اندیشک - دزفول شوشتر و شادگان صورت می گیرد. مکانیزم عمل در این عرصه به این شکل است که گروهی از سرمایه داران بازار (میدانداران، واسطه ها و سلف خرها) که معمولاً در میادین تره بار صاحب قدرت و نفوذ هستند، خود را سابه اجاره زمین از شیوخ و فئودالها اقدام می کنند. آنها با امکانات مالی و سرمایه هنگفتی که دارند، قادر به کشت پر هزینه پلاستیکی هستند. برای تامین نیروی کار نیز با ازدهقانان بی زمین و کم زمین روستاهای خوزستان استفاده می کنند و با اینکه از استانهای اصفهان و چهارمحال بختیاری و سایر استانها هم چوار به استخدام کارگران کشاورزی می بردارند. وضعیت زندگی و کار دشوار این کارگران به غایت دردناک است. آنان مجبورند ماهها دور از خانه و کاشانه خود در گرمای استخوانسوز خوزستان تن به استثمار وحشیانه سرمایه داران بدهند تا نان خشک و بخور نمیری برای خانواده خود به چنگ آورند.

سرمایه داران مزبور با بهره گیری از پند و بست هایی که با مقامات دولتی دارند، تراکتور، پمپ، بذر، کود، سم و ... را به نرخ دولتی از جهاد سازندگی و وزارت کشاورزی دریافت می کنند. به این ترتیب هزینه تمام شده محصولات آنها بسیار کمتر از هزینه ای است که دهقانان درازا، تهیه همین محصولات متحمل می شوند، زیرا دهقانان ناگزیر هستند بخش اعظم وسایل مورد نیاز کشاورزی را از بازار سیاه تهیه کنند.

سرمایه داران بازار، میدانداران و سلف خرها، بعد از برداشت محصول مکانیزم خاصی را نیز برای فروش محصولات به وجود آورده اند. آنها سعی می کنند به اشکال مختلف محصولات را با حداکثر سود به فروش برسانند. آنان در فصل برداشت محصول، با ایجاد کمبودهای مصنوعی در میادین تره بار، حتی در مرکز تولید نرخ محصولات را به حداکثر ممکن می رسانند. علاوه بر این محصولات در کشت پر هزینه پلاستیکی بسیار زودتر به دست می آید و به صورت ثورانه در بازار به فروش می رسند. دهقانان فقیر که قادر به تامین هزینه کشت پلاستیکی نیستند ناگزیرند بهای ناچیز محصولات خود را در بازار بپذیرند.

گسترش بهره برداری به این شیوه توسط سرمایه داران، از زمین های کشاورزی در سطح خوزستان، باعث،

صمد در «بایاتی» های آذربایجان



(دوبیتی) از سروده های زحمتکشان و عاشق های آذربایجان درباره او برگزیده ایم. این «بایاتی» ها شایسته ترین داوری خلق درباره صمد است.

صمد بهرنگی پرچم‌ترین نمونه داوری شایسته خلق درباره فرزندان راستین خویش است. در تاریخ ملت‌ها شخصیت‌های نادری وجود دارند که محبت‌شان آنچنان در دل خلق می‌نشیند که یاد و نامشان در سروده‌های و نغمه‌های مردمی همواره جاری و زنده می‌ماند. زندگی صمد که عمیقاً با زندگی رنج‌آلود زحمتکشان شهر و روستا و با احساس و عاطفه آنان گره خورده بود، از وی چنین سیمایی ساخت. صمد در شعر آن کارگر قالیباف و در خاطره دهقان روستاهای «مقان»، «آخیز» و «... درسا» و آواز «عاشق»‌ها و در اندیشه هر مبارز رزمنده می‌زید و خواهد زیست. آری، زندگی صمد، صمد را چادمان ساخت. در نوزدهمین سالگرد خاموشی معلم بزرگ زحمتکشان آذربایجان چند «بایاتی»

صمد گلیر آشا - آشا
نه خان ثانیرنه پاشا
شله سی دولو کتاب
پایلا بیر باشدان پاشا

آراز سندر، کیم گشتدی؟
کیم غرق اولدو کیم گشتدی؟
صدی سن بو غماز دین،
سویله باغیرین کیم دنددی؟

دوئیانی توتیودید شان و شهرتین
آفرین آدنیا صمد بهرنگی.
ایپدی لیکده هیچ یوخوش ایلر دین
آفرین آدنیا صمد بهرنگی.

خلقی یولون گشتدی صمد
جانین قدا ائتدی صمد
آزیمینا یئتدی صمد
آچیلدی باغلی گوزوموز

ماز سینه مده صمد، دئییب باغیرام،
پایک لری، نیسی لری چاغیرام.
جنگی جالب، پولاد سنگر قاپیرام،
تیترو درم نالملرین دیزلرین.

سن دئییر دین کی: هیچ واغت
قارا بالیق پاتنادی
گندیب، یولداش اختاردی
سقا لاردان قورخمادی

رژیم قدرت بیشتری می‌گیرند. اکنون اکثر شوراهای اسلامی روستایی و سایر تشکلهای روستایی تحت سیطره و نفوذ شیوخ عرب قرار دارند. آنان با استفاده از این امکانات، سیاه‌ترین ستمها را در حق روستائیان عرب اعمال می‌کنند. هم اکنون توسط شیوخ عرب در روستاهای عرب نشین خوزستان، قرون وسطایی‌ترین احکام و قوانین احیاء شده و اجرا می‌شود. شیوخ به راحتی آب خوردن، حکم سربریدن زنان و قتل فجیع دهقانان زحمتکش عرب را صادر می‌کنند. رژیم بمنظور مرعوب کردن روستائیان زحمتکش عرب، به شیوخ و این اقدامات چنانیکارانه آنها خود را سخت نیازمند احساس می‌کند و از همینروست که شیوخ با اتکا به حمایت‌های برادرانه مسئولین رژیم از هیچ جنایت فجیعی فروگذار نمی‌کنند.

روستائیان زحمتکش عرب علیرغم همه این ستم‌های ویژه رژیم و جنایات شیوخ، از مبارزه با عوامل رژیم و شیوخ باز نیایستاده‌اند. شرکت گسترده آنان در قیام خلق عرب در اردیبهشت سال ۶۴ مقاومت آنان در مقابل کوچ اجباری روستائیان عرب اطراف شادگان و آبادان در پائیز و زمستان همان سال و نیز مقاومت و مبارزه خونین دهقانان زحمتکش خلف آباد و رامشیر و روستاهای اطراف ماهشهر در مقابل سرکوب وحشیانه رژیم و شیوخ عرب، فرازهایی از مبارزات زحمتکشان خلق عرب است.

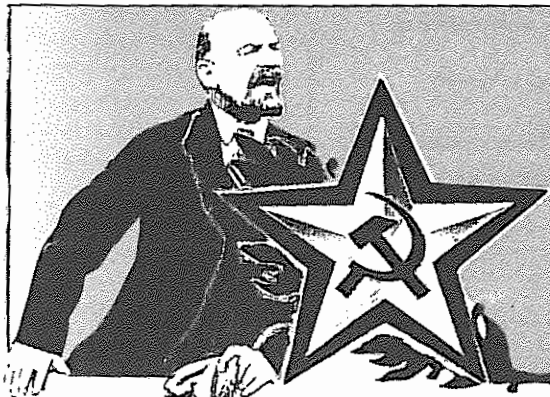
بیداد قرون وسطایی رژیم فقها در روستاهای خوزستان، نفرت سوزان دهقانان زحمتکش را هرچه می‌گذرد، پررنگانه‌تر می‌سازد. رژیم اکنون بیشتر از هر زمانی آماج تنفر و خشم دهقانان زحمتکش خوزستان است. انزوای رژیم در میان زحمتکشان خوزستان، بیشتر از همه در عجز و زبونی آنان در پیچ و تیر و برای چپ‌های چنگ نموده بارز می‌یابد. اکنون توان رژیم برای بسیج جوانان روستاهای خوزستان برای چپ‌ها فرسوده گشته و در موارد مکرری تلاش مسئولین رژیم در این زمینه با مقاومت زحمتکشان درهم کوبیده شده است. رژیم حتی در چندین مورد اقدام به ربودن جوانان روستاهای خوزستان نمود که این طر‌ح‌های چنانیکارانه نیز، با مقاومت شدید روستائیان زحمتکش در نطفه خفه شد. روستائیان حتی در مواردی موفق شدند، فرزندان ربوده شده خود را از چنگال خونریز آدم ربایان رژیم فقیهان خارج سازند.

نقدی بر بخشی خصوصی...

بقیه از صفحه ۶

جامعه اشاره کرد. سیاستهای پولی و مالی دولت جمهوری اسلامی و بر همین بستر بحران قطع رشد و پیاپی سکنه افتادن رشد اقتصادی که منجر به توقف و یا فلج شدن تولید گردید می‌تواند در تشخیص این «اشخاص» موثر افتد. توزیع ناعادلانه ثروت در جمهوری اسلامی به گونه‌ای است که پول در گردش همواره در دست عده‌ای محدود انباشته شده و توده‌ها به سیدروزی و فقر بیشتر درمی‌غلطند. در یک کلام، بخش عمده و اصلی این نقدی بر انباشت ثروت و تمولین و صاحبان سرمایه است و تهدیدستان در هر دور، فقر به انباشت می‌کنند. ویژگی اصلی نقدی بر بخش خصوصی در جمهوری اسلامی گرایش غیرمولد آن است. این نقدی بر بدانگونه که توسط سیاستهای انباشتی دولت باز آفریده می‌شود، از آنرو که توسط سیستم بانکی جذب نمی‌گردد به سرمایه‌های سرگردانی فرا می‌رود که هرچه بیشتر گرایش به عرصه غیرمولد اقتصاد دارد. منطق کارکرد سرمایه، سودآوری است و در جمهوری اسلامی و در چارچوب اقتصاد شیرازه گسیخته، کنش تجاری، دلالی و واسطه‌گری سود کلان در بردارد و از این رو نقدی بر بخش خصوصی به بهای ورشکستگی تدریجی اقتصاد کشور نه تنها خود به عرصه کارهای انگلی و غیرمولد متمایل است، بلکه همواره چون منبع جاذبی، سرمایه‌های تولیدی را نیز هرچه بیشتر بسوی سرمایه‌های غیرمولد می‌کشاند. بنابر این مختصات نقدی بر بخش خصوصی موجود در کشور را در عرصه می‌توان بیان کرد، نخست آنکه این نقدی بر شدت غیرمولد است و دوم آنکه بر بستر نحوه توزیع ثروت در جامعه، بطور روزافزون در دست عده معدودتری انباشت می‌شود.

محصول مستقیم نقدی بر بخش خصوصی، تورم لجام گسیخته است. نقدی بر بخش خصوصی با ویژگی غیرمولد آن و خصلت تمرکز آن در دست عده‌ای سرمایه‌دار بر راستای کمبود عظیم کالا، تنها به معنای تشدید تورم و گرانی است. اعتراف رژیم به افزایش نقدی بر بخش خصوصی، در واقع اعتراف به ورشکستگی اقتصادی دولت و در واقع شاهد سیدروزی توده‌هاست. افزایش نقدی بر بخش خصوصی، نشانه حدت بیماری اقتصاد کشور، نشانه حدت بیماری اقتصاد کشور، نشانه فرار سرمایه از تولید به دلالی واسطه‌گری است.



«دولت و انقلاب» رهگشای انقلاب

به پیشواز هفتادمین سالگرد اکتبر بزرگ

تئوری دولت در جهان بینی طبقه کارگر

«دولت و انقلاب» - همین عنوان حاکی از این است که لنین در این اثر، به مسائل سیاسی مهم جهان بینی کمونیستی و مبارزه عملی جنبش انقلابی می پردازد. موضوع این اثر، به ویژه ضرورت برقراری قدرت سیاسی طبقه کارگر برای ایجاد جامعه بی طبقه کمونیستی است، جامعه ای که صلح، عدالت اجتماعی و بدین طریق رشد آزاد و همه جانبه انسانها را تأمین می کند. لنین، علیرغم همه توهمات رفرمیستی و خیالپافی های آنارشستی، ثابت می کند که انقلاب پرولتری و دیکتاتوری پرولتاریا، ادامه اعتدالی تاریخی بشریت و رهایی قطعی اش از استثمار و ستم را تضمین، و عالی ترین مرحله تکامل دموکراسی را ایجاد خواهد کرد.

بدین ترتیب، لنین جهان شمول بودن کشفیات و آموزشهای مارکس را نشان می دهد. برای درک «دولت و انقلاب» قطعاً مفید است که به یاد آوریم مارکس چگونه مهمترین عناصر آموزشهای تئوریک خود را در عرصه سیاست، جمع بندی کرده است، «تا آنجا که به من مربوط می شود، نه موجودیت طبقات در جامعه امروزی و نه مبارزه آنها با یکدیگر را من کشف نکرده ام. مدتها پیش از من، تاریخ نویسان بورژوازی، به تحول تاریخی این مبارزه طبقات، و اقتصاددانان بورژوازی، به تشریح اقتصادی این طبقات پرداخته بودند. کاری که من برای نخستین بار انجام دادم، از این قرار بود، اولاً نشان دادم که موجودیت طبقات تنها به مراحل معین تکامل تاریخی تولید مربوط است. ثانیاً ثابت کردم که مبارزه طبقاتی بطور اجتناب ناپذیر به دیکتاتوری پرولتاریا می انجامد. ثالثاً نشان دادم که این دیکتاتوری، خود تنها مرحله گذار به مرحله نهایی و جامعه بی طبقه را تشکیل می دهد.» (۱)

لنین در «دولت و انقلاب» مدلل می کند که این عنصر نو در نظریات مارکس، چگونه ایجاد شد، و به شکل تاریخی - سیستماتیک، موضع طبقه کارگر در قبال دولت را، بگونه ای که برای گذار از سرمایه داری به جامعه کمونیستی ضروری است، تشریح می کند. لنین با افزودن نتیجه گیریهای جدید به دست آمده از تحلیل مبارزه طبقاتی در دوران امپریالیسم و انقلاب پرولتری بر کشفیات مارکس و انگلس در این رابطه، بر غنای این کشفیات می افزاید. «دولت و انقلاب» که در آستانه انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر نوشته شده است، حاوی استدلال علمی برای برقراری قدرت سیاسی طبقه کارگر است. لنین در عین حال در این اثر، راه پیشروی به سوی آینده کمونیستی را که مشخصه آن، شرکت هرچه موثرتر زحمتکشان تحت رهبری حزب مارکسیست - لنینیست خود در اداره و برنامه ریزی همه امور اجتماعی است، ترسیم می کند.

نیروی حیات بخش و اعتبار اندیشه های این

اثر، در روند نتایج ساختمان سوسیالیسم و کمونیسم، در مبارزات انقلابی طبقه کارگر بر ضد سرمایه انحصاری، و در نقشه های استراتژیک احزاب مارکسیست - لنینیست جهت برقراری شرایط اجتماعی دموکراتیک و سوسیالیستی، بازتاب می یابد.

«دولت و انقلاب» در مبارزه بر ضد انواع و اقسام تلاشها برای بی محتوی کردن کمونیسم علمی از طریق تجدیدنظر تدریجی در مواضع اصلی آن، از مبرمیت ویژه ای برخوردار است. بورژوازی همواره به اینگونه مسخ ابورتونیستی مارکسیسم یاری رسانده، خود بطور فعال بدان پرداخته است. و بر این مبنا کوشش می شود که مارکسیسم و لنینیسم در مقابل هم گذاشته شوند. اثر «دولت و انقلاب»، اثباتی برای وحدت مارکسیسم و لنینیسم است و براهین علمی را در مبارزه با همه تلاشها جهت تهی کردن مارکسیسم از محتوای انقلابی آن و انکار جهان شمول بودن لنینیسم، تأمین می کند...

ساختمان «دولت و انقلاب» چگونه است؟

لنین در فصل نخست، به توضیح موضع مارکسیسم در قبال دولت و طرح مسئله محوری اثر خود می پردازد. در فصول دوم، سوم و چهارم، لنین روند تحول تاریخی - تئوریک آموزشهای مارکس و انگلس را تشریح می کند و کشفیات مارکس و انگلس در باره ضرورت درهم شکستن ماشین دولتی کهنه بورژوازی، و وظایف دولت پرولتری را مورد تأکید قرار داده و بدیناغای پیشتری می بخشد.

لنین در فصل پنجم به تحول دولت و دموکراسی در ساختمان جامعه کمونیستی می پردازد. وی اساسی ترین مشخصات و مراحل تکوین کمونیسم را که مارکس مستدل کرده است، بگونه ای عمیق تر تشریح می کند و گسترش می دهد.

لنین در فصل ششم در بحث با پلخائف و کائوتسکی نشان می دهد که طفره رفتن از پاسخ دادن به مسئله رابطه انقلاب پرولتری با دولت، به مسخ و بی محتوی کردن کامل مارکسیسم می انجامد. بنابراین، منطق درونی «دولت و انقلاب» را می توان چنین ترسیم کرد،

طرح مسئله - ضرورت درهم شکستن ماشین دولتی کهنه - وظایف و چشم اندازهای دولت پرولتری، در پیوند با مراحل تکامل جامعه کمونیستی....

شرایط تاریخی پیدایش اثر و وظایف آن

لنین پس از سالها کار تدارکاتی همه جانبه، کتاب «دولت و انقلاب» را در ماههای اوت و سپتامبر ۱۹۱۷ به رشته تحریر درآورد. در آن زمان، کارگران و دهقانان روسیه برای سرنگون کردن حکومت طبقه سرمایه دار آماده می شدند و تحت رهبری حزب بلشویکها، در حال گذار از انقلاب بورژوا - دموکراتیک، که در فوریه ۱۹۱۷ به خلق یه از

تزار انجامیده بود، به انقلاب سوسیالیستی بودند. در آن هفته های پیش از انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر، لنین پیش از ۶۰ اثر، از جمله «دولت و انقلاب» و آثار دیگری با اهمیت برنامه ای فراوان، مانند «خطر فلاکت و چگونگی مبارزه با آن»، «آیا بلشویکها قدرت دولتی را حفظ خواهند کرد؟» و «درباره اصلاح برنامه حزب» را نوشت. در تاریخ حزب کمونیست اتحاد شوروی «درباره اهمیت این آثار آمده است، «لنین در این آثار، توجه اصلی را به مدلل کردن همه جانبه قانونمند بودن و اجتناب ناپذیری تاریخی انقلاب سوسیالیستی در روسیه و آشکار کردن وظایف درجه اولی آن، معطوف کرد. وی از موضع علمی، بی پایه بودن مواضع تئوریک های منشویک را نشان داد و حزب را به آموزشهای تئوریک مجهز کرد که بر آمادگی پیشاهنگ پرولتری برای مبارزه جهت ابغای رسالت بزرگ تاریخی آن، افزودند. این آموزشهای جدید، به حزب بلشویک امکان دادند به مهمترین مسائل مطروحه توسط زندگی و انقلاب، پاسخ درست داده، اکثریت خلق را به سوی خود جلب کنند.» (۲)

تصادفهای اجتماعی در داخل روسیه به بیشترین میزان تشدید شده و توده های خلق عمیقاً از جنگ جهانی امپریالیستی به خشم آمده بودند. این امر، به موقعیتی انقلابی انجامیده بود که بطور بلاواسطه، انقلاب پرولتری را در دستور روز قرار می داد. در روسیه، کشوری با امپریالیسم نظامی - فئودالی، هم شرایط عینی و هم شرایط ذهنی برپایی قدرت سیاسی طبقه کارگر، آماده می شد. در چنین شرایطی بود که لنین در «دولت و انقلاب» راه و وظایف سیاسی اصلی مبارزه برای سرنگونی بورژوازی، متلاشی کردن ماشین دولتی آن و ساختن آینده ای کمونیستی را نشان داد.

اما این اثر با موقعیت ویژه جنبش انقلابی روسیه در سال ۱۹۱۷ گره نخورده است، زیرا لنین در آن، به اصلی ترین مسائل مبارزه سیاسی که با فراهم آمدن شرایط عینی انقلاب پرولتری، جنبش انقلابی بین المللی کارگری در برابر آن قرار گرفته بود، پاسخ می دهد. بنابراین، در «دولت و انقلاب» که از جمله آثار کلاسیک لنینیسم است، قانونمندیهای عام اجتماعی و سیاسی و ضروریات گذار بشریت از سرمایه داری به سوسیالیسم نشان داده می شوند.

این امر، ریشه در آن دارد که با چابکترین شدن سرمایه داری ماقبل انحصاری توسط امپریالیسم، انقلاب پرولتری بطور بلافاصله در دستور تاریخ قرار گرفت. جنبش بین المللی کارگری دیگر وظیفه داشت به یورش بر دژهای سرمایه روی آورد. دورانی جدید، دوران گذار از سرمایه داری به سوسیالیسم، آغاز خود را اعلام می کرد.

بنابراین، این ضرورت ایجاد شده بود که مارکسیسم، و به ویژه تئوری انقلاب، تکامل یابد تا

مبارزه طبقه کارگر و متحدان آن به لحاظ سیاسی به طریقی صحیح رهبری شود. به عبارت دیگر، ضروریات عملی جنبش انقلابی، کار بیشتری در گسترش آموزشهای مارکس و انگلس در باره دولت و به ویژه موضع پروولتاریای انقلابی در قبال دولت را ضروری کرده بود.

اما افزون بر این، دلیل مهم دیگری نیز برای نگارش "دولت و انقلاب" وجود داشت. رهبران بین الملل دوم، آموزشهای مارکس در باره دولت و انقلاب را تحریف و در جنبش کارگری نوعی مارکسیسم منحرف شده و تئوری از محتوای انقلابی را ترویج می کردند. درست از این زاویه، رابطه میان امپریالیسم و اپورتونیسم آشکار شده بود. اپورتونیسم به مثابه ایدئولوژی انطباق یافتن جنبش کارگری با شرایط سرمایه داری، بنا به ماهیت خود، مبلغ سیاست اصلاح طلبانه ای بود که موجودیت نظام سرمایه داری را به خطر نمی افکند. این دست کشیدن از مارکسیسم، در آغاز با این ادعای اپورتونیستها همراه بود که "مجموعان سوسیالیسم را می خواهیم - اما از راهی دیگر". اپورتونیسم، توم "راهی جدید" و "راه سوم" به سوی سوسیالیسم را ایجاد کرد. این در حالی بود که کن روند تحول تاریخی، از جمله تشدید همه تضادهای امپریالیسم در جنگ جهانی اول، به سوی محور انقلابی سرمایه داری سمت گرفته بود. اما اپورتونیستهای بین الملل دوم، از همان آغاز جنگ تحت شعار "آرامش پشت جبهه" در کشور جانب بورژوازی "خودی" را گرفتند. این اعلام وفاداری آشکار به دولت امپریالیستی، بدین معنی بود که اپورتونیستها بطور قطعی از سیاست طبقاتی انترناسیونالیستی پروولتاریا روی گردانده بودند. این سیاست، به ویژه در اتخاذ شی سوسیال شونیم و سیاست "دفاع از میهن" بازناب می یافت. آزادی توده های زحمتکش از نفوذ بورژوازی امپریالیستی "بدون مبارزه با پیشداوریهای اپورتونیستی در رابطه با" دولت "ناممکن" بود. (۳)

بدین ترتیب، اپورتونیسم مانع آرایش قوای پروولتاریا و رشد آگاهی سازمان یافتگی آن به مثابه شرط ضروری انقلاب سوسیالیستی بود. این نیز دلیل دیگری بود بر ضرورت مبرم تدوین همه جانبه تئوری های مارکسیسم در باره دولت و انقلاب. لنین در مقدمه "دولت و انقلاب" بدین امر اشاره دارد. وی در این مقدمه "مسئله رابطه انقلاب سوسیالیستی پروولتاریا با دولت" را "مسئله ای مربوط به آگاه کردن توده ها از کارهایی که باید جهت رهایی از یوغ سرمایه در آینده نزدیک انجام دهند" می نامد. (۴) سوتیر اثر لنین چنین است: "آموزش مارکسیسم در باره دولت و وظایف پروولتاریا در انقلاب". لنین نخست "همه بخشهای مهم از آثار مارکس و انگلس در باره مسئله دولت" را تحلیل می کند. (۵) هدف اواز این کار، تشریح شکل گیری و ماهیت دولت، رابطه پروولتاریا با دولت، به ویژه در دوره انقلاب پروولتری، و نیز روند زوال دولت در مرحله عالی تر جامعه کمونیستی است.

لنین پیش از نگارش "دولت و انقلاب"، به مطالعه دقیق، یادداشت برداری و ارزیابی احکام مارکس و انگلس در باره دولت پرداخته بود. یادداشت برداری ها و حاشیه نویسی های او بر آثار مربوطه مارکس و انگلس، برای هر کس که بدین مسائل بپردازد، بسیار جالب است. این کارهای مقدماتی، تحت عنوان "مارکسیسم و دولت" انتشار یافته و به "دفتر آبی" هم مشهورند. اوایل ژوئیه ۱۹۱۷، هنگامی که ارتجاع نقشه قتل لنین را کشیده بود، وی در یک یادداشت شخصی نوشته: "اگر مرا کشتند... دفتر "مارکسیسم و دولت" مرا که در استیکلم مانده است، منتشر کنید. جلد آبی دارد و صحافی شده است. در

این دفتر، همه نقل قول های مارکس و انگلس و نیز نقل قول های کائوتسکی علیه پانکوک جمع آوری شده است. فکر می کنم بشود پس از یک هفته کار آن را منتشر کرد. من این کار را مهم می دانم زیرا نه تنها در نوشته های پلخانف، بلکه در نظرات کائوتسکی هم سر درگمی حاکم است." (۶)

لنین موفق شد "دولت و انقلاب" را در شرایط دشوار، در مخفی گاه، به پایان برساند. این اثر برای نخستین بار بطور کامل در سال ۱۹۱۸ منتشر شد. در دسامبر ۱۹۱۷، مقدمه و دو بخش نخست فصل اول کتاب، در "پراودا" انتشار یافت. این کتاب، به سرعت رواج گسترده ای یافت...

لنین در "دولت و انقلاب" چه وظایفی در برابر خود قرار داده بود؟

لنین در همان آغاز فصل نخست - "جامعه طبقاتی و دولت" - از تلاشهای ویرجینیستی برای پی محتوی کردن مارکسیسم چنین نتیجه می گیرد: "در چنین شرایطی، در حالی که تحریف مارکسیسم، رواج تحمل ناپذیری یافته است، وظیفه ما در وهله نخست احیای آموزش واقعی مارکس در باره دولت است." (۷) وی آنگاه به توضیح روشی که برای حل این مسئله به کار برده است، می پردازد: "بدین منظور، لازم خواهد بود یک سلسله نقل قول های طولانی از خود آثار مارکس و انگلس بیاوریم... باید همه یا حداقل مهمترین بخشهای آثار مارکس و انگلس در باره مسئله دولت را حتماً بگونه ای حتی المقدور قابل فهم درج کرد تا خواننده، به داوری مستقلی در باره کن نظرات بنیانگذاران سوسیالیسم علمی و در باره تکامل این نظرات، برسد. تا همچنین منخ این نظرات توسط "کائوتسکی کری" حاکم امروزی، بطور مستند اثبات و به وضوح نشان داده شود." (۸)

لنین، تحلیل نظرات مارکس و انگلس را با تعمیم تجارب کمون پاریس، انقلابات ۱۹۰۵ - ۱۹۰۷ و فوریه ۱۹۱۷ روسیه و نیز تجارب دیگر جنبش بین المللی کارگری همراه می کند و بدینگونه، به مدلل کردن ضرورت درهم شکستن ماشین دولتی بورژوازی و ایجاد قدرت نوین دولتی، یعنی دیکتاتوری پروولتاریا، می پردازد.

موضوع پژوهش های علمی در "دولت و انقلاب"

لنین، تشریح آموزش مارکسیسم در باره دولت را با اثبات این امر آغاز می کند که دولت، "تیره و بازتاب آشتی ناپذیری تضادهای طبقاتی" (۹) است. وی در اینجا، به "منشا خانواده، مالکیت خصوصی و دولت" اثر انگلس در سال ۱۸۸۴، استناد می کند. لنین بعدها، در ژوئیه ۱۹۱۹، در سخنرانی خود تحت عنوان "در باره دولت" به تشریح دقیق منشأ تاریخی و ماهیت دولت می پردازد. (۱۰)

در بخش نخست "دولت و انقلاب"، لنین در شیوه اصلی تحریف مارکسیسم را برمی شمارد. نخست آنکه ایدئولوگ های بورژوازی و خرده بورژوازی، به ویژه رهبران بین الملل دوم، گرچه می پذیرفتند که دولت، تنها جایی وجود دارد که مبارزه طبقاتی و تضادهای طبقاتی وجود داشته باشد، اما می گوشتند دولت را ارگان آشتی طبقاتی قلمداد کنند. لنین می نویسد پیروان چنین نظری، نه سوسیالیست، "که دمکراتهای خرده بورژوا با عبارت پردازی شبه سوسیالیستی اند." (۱۱) شیوه دوم تحریف مارکسیسم در رابطه با مسئله دولت، یعنی شیوه کائوتسکی، "بسیار ظریف تر" بود. این شیوه، گرچه علناً انکار نمی کرد که دولت، ارگان حاکمیت طبقاتی است، اما نتیجه گیریهای مارکس از این امر، یعنی این امر را که بدون انقلاب قهرآمیز و درهم شکستن ماشین دولتی، گهنة، گذار از سرمایه داری به سوسیالیسم ناممکن است، مسکوت می گذاشت یا از آن دست می کشید.

لنین، با تکیه بر آموزشهای مارکس و انگلس، ضرورت انقلاب پروولتری را که می تواند از راه مسالمت آمیز و یا از طریق قیام مسلحانه انجام پذیرد، مدلل می کند. اما این انقلاب هرگز آنتونه که ایدئولوگ های "سوسیالیسم دمکراتیک" می گوشتند القا کنند، بدون اعمال قهر و از طریق یک روند تدریجی طولانی استحاله سرمایه داری به سوسیالیسم انجام نمی پذیرد. سیاست اصلاحی سوسیال - دمکراتیسم، متوجه تحکیم نظام امپریالیستی بوده و هست.

بحث با نظریات اپورتونیستی کائوتسکی در "دولت و انقلاب" همچنین متوجه اثبات این امر است که درهم شکستن ماشین کهنه قوه دولتی، که توسط طبقات استثمارگر حاکم ایجاد شده است، ضروری است. از این رو لنین در فصل نخست اثر خود به توضیح این نکته می پردازد که قدرت دولتی از چه چیز تشکیل می شود و چرا ارگانی برای منکوب نگه داشتن طبقه تحت ستم است. ابزارهای اصلی قدرت دولتی برای اعمال قهر، به ویژه ارتش حرفه ای و پلیس است. لنین همچنین به مسائلی نظیر گرایش به ستم تقویت مداوم قدرت دولتی بورژوازی، رابطه امپریالیسم و افزایش شاهنچار تسلیحات، و نقش جمهوری دمکراتیک و حق رای در تأمین حکومت بورژوازی می پردازد. این مسائل، برای پیشبرد مبارزه طبقاتی حائز اهمیت بسیارند.

لنین سپس به تشریح تضاد عمیق تصورات آنارشیستی در باره "ناپودی" فوری دولت و نظر اپورتونیستی در باره "زوال" دولت با موضع مارکسیستی می پردازد و همه جا به آموزشهای مارکس و انگلس استناد می کند. ایدئولوگ های اپورتونیسم می گوشتند نظریه انگلس در باره "زوال" دولت را برای ترویج نظر "استحاله" سرمایه داری به سوسیالیسم و چشم پوشی از انقلاب قهرآمیز و در هم شکستن ماشین دولتی کهنه، مورد سوء استفاده قرار دهند. اما تنها زمانی که دولت بورژوازی از طریق انقلاب درهم شکسته و قدرت سیاسی طبقه کارگر ایجاد شود، دولت به مثابه نهاد سیاسی داخلی، در جریان گذار به مرحله عالی تر جامعه کمونیستی، با رشد کامل دمکراسی، یعنی با تقویت قدرت دولتی سوسیالیستی، زوال خواهد یافت. لنین چنین حکم می دهد، "چاپکیزی دولتی بورژوازی توسط دولت پروولتری، بدون انقلاب قهرآمیز ناممکن است. از میان رفتن دولت پروولتری، یعنی از میان رفتن هرگونه دولت، به هیچ طریقی امکان پذیر نیست جز از راه "زوال" تدریجی. (۱۲) ...

رابطه انقلاب پروولتری و دولت

برای لنین، این امر حائز اهمیت است که به لحاظ تاریخی به دقت نشان دهد که آموزشهای مارکس و انگلس در باره قدرت سیاسی طبقه کارگر، در باره ضرورت و وظایف دولت پروولتری، چگونه شکل گرفته اند. وی از این طریق، اثبات می کند که نکته محوری در نظرات مارکسیسم در باره انقلاب، مسئله قدرت سیاسی است.

وی در "دولت و انقلاب" در مقابله با بی رنگ کردن اپورتونیستی مارکسیسم می نویسد: "تنها کسی مارکسیست است که پذیرش مبارزه طبقاتی را به پذیرش دیکتاتوری پروولتاریا گسترش دهد... این باید سنگ محک درک واقعی و پذیرش مارکسیسم باشد." (۱۳) ...

لنین پیش از آنکه بطور دقیق تری، به نقش و وظایف دولت در انقلاب پروولتری بپردازد، مراحل تعیین کننده در تکوین نظرات مارکس و انگلس در باره برخورد به دولت را نشان می دهد...

نخستین مرحله، با "مانیفست حزب کمونیست"

«دولت و انقلاب»، رهگشای انقلاب

(۱۸۴۸) مشخص می‌شود که در آن مارکس و انگلس به این نتیجه رسیدند که پرولتاریا، از حاکمیت سیاسی خود برای «پیروان آوردن تدریجی همه سرمایه‌ها از دست بورژوازی، تمرکز همه وسایل تولید در دست دولت، یعنی پرولتاریا که به مثابه طبقه حاکم سازمان یافته است و افزودن حتی المقدور سریع بر توده نیروهای مولده» (۱۴) بهره خواهد گرفت. در اینجا، اندیشه دیکتاتوری پرولتاریا و ضرورت دولت پرولتری نهفته است، و برخی وظایف اصلی در ساختمان جامعه کمونیستی برشمرده شده‌اند.

مرحله دوم تکامل آموزش دولت و انقلاب، با اثر «مقدم برورولوش بنایارت» (۱۸۵۲) تحقق می‌یابد که در آن مارکس تجارب انقلاب ۱۸۴۸ تا ۱۸۵۱ را تعمیم بخشید. وی در این اثر بدین نتیجه رسید که تا آن زمان، همه دگرگونی‌ها، ماشین دولتی را «به جای درهم شکستن آن» (۱۵) کامل‌تر کرده‌اند. لنین در این باره خاطرنشان می‌کند که این حکم، مهمترین و اصلی‌ترین حکم آموزش مارکسیسم درباره دولت است، و می‌افزاید بدین ترتیب «مارکسیسم در مقایسه با «مانیفست کمونیستی» گام عظیمی به پیش برمی‌دارد.» (۱۶)

در «مانیفست» آمده بود که دولت بورژوازی باید جای خود را به دولت پرولتری بدهد، اما هنوز این مسئله طرح نشده بود که این جایگزینی چگونه باید انجام پذیرد. مارکس در سال ۱۸۵۲ بدین مسئله پاسخ داد، نه اصلاح، که درهم شکستن و متلاشی کردن ماشین دولتی موجود - این است راه برپایی قدرت سیاسی پرولتری، که مطابق با ماهیت انقلاب پرولتری به مثابه دگرگونی بنیادین مناسبات اجتماعی است. بدین ترتیب، روشن شد که دولت پرولتری باید ایجاد شود و روشن شد که چگونه باید ایجاد شود.

مرحله سوم رشد نظرات مارکس و انگلس در رابطه با انقلاب پرولتری زمانی آغاز شد که مارکس به تعمیم تجارب کمون پاریس پرداخت. وی توانست نشان دهد که ماشین دولتی بورژوازی باید جای خود را به چه چیز بدهد. مارکس و انگلس در «مانیفست» بدین پرسش، پاسخی دادند که «هنوز کاملاً تجریدی بود، به عبارت صحیح‌تر، پاسخی که وظایف، و نه شیوه‌های حل آنها را نشان می‌داد.» (۱۷) اما در سال ۱۸۷۱، مارکس در کمون آن شکلی از جمهوری را می‌دید که نه تنها شکن سلطنتی حکومت طبقاتی را می‌بایست از میان برمی‌داشت. (۱۸) اصول کمون پاریس، از جمله از این قرار بود، ارتش حرفه‌ای منحل شده جای خود را به تسلیح عمومی خلق می‌دهد، همه ماموران دولتی، قابل نصب و عزلند و حقوق آنها برابر با دستمزد کارگران است، جدایی فعالیت قانونگذاری و اجرایی لغوی شود، مارکس، کمون را «آن شکن سیاسی که پس از مدتها کشف شده و در قالب آن، رهایی اقتصادی کار می‌تواند تحقق پذیرد» می‌نامید. (۱۹)

لنین در سال ۱۹۰۲، در تدوین برنامه حزب سوسیال دموکرات کارگری روسیه از این آموزش مارکس بهره گرفت. (۲۰) موضع در قبال دیکتاتوری پرولتاریا، برای وی معیار تغییرناپذیر نظریه مارکسیستی طبقات و نقش تاریخی دولت و نیز

وظایف اصلی پرولتاریا در انقلاب بود. بدین ترتیب، با پیدایش لنینیسم، مرحله تکاملی جدیدی در تئوری مارکسیستی دولت و انقلاب آغاز شد. «دولت و انقلاب» نقطه اوج این مرحله است.

لنین پیش از نگارش «دولت و انقلاب» نیز راه پیشروی طبقه کارگر به سمت قدرت در شرایط امپریالیسم به مثابه آستانه انقلاب پرولتری را نشان داده بود، به ویژه در آثار «دوکتاتیک سوسیال دموکراسی در انقلاب دموکراتیک» (۱۹۰۵)، «فروپاشی بین الملل دوم» و «درباره شعارهای متحد اروپا» (۱۹۱۵)، «انقلاب سوسیالیستی و حق تعیین سرنوشت ملت (ترها)»، «درباره کاریکاتورهای از مارکسیسم» و «اکونومیسم امپریالیستی» و «برنامه جنگی انقلاب پرولتری» (۱۹۱۶)، «درباره وظایف پرولتاریا در انقلاب کنونی» (ترهای آوریل) و نیز در آثار دیگر سال ۱۹۱۷ که پیش از این از آن نام بردیم. تئوری لنینی انقلاب سوسیالیستی در اثبات این امر هسته اساسی خود را آشکار می‌کند که ماشین دولتی کهنه باید لزوماً متلاشی شده و جای خود را به قدرت شوراهای به مثابه شکن دیکتاتوری پرولتاریا بدهد، چرا که طبقه کارگر تنها از این راه می‌تواند مناسبات اجتماعی موجود را از بنیان تجدید سازمان کمونیستی بخشد...

چه چیز باید جایگزین ماشین دولتی کهنه شود؟ لنین با استناد به این آموزش مارکس که «طبقه کارگر باید «ماشین دولتی موجود» را نابود و متلاشی کند و نه باید صرفاً به تصاحب آن قناعت کند» (۲۱) در فصل‌های سوم و چهارم کتاب بدین پرسش که چه چیز باید جایگزین ماشین دولتی کهنه شود، پاسخ می‌دهد. وی بدین منظور، به ویژه تجارب کمون پاریس را بررسی کرده تعمیم می‌بخشد. وی نخست مشخصات اصلی دولت طراز کمون را برشمارد و سپس به تشریح تک تک مشخصات آن می‌پردازد.

لنین نیز نظیر مارکس نشان می‌دهد که کمون پاریس، حامل مشخصاتی از جامعه کمونیستی است. از این روی هم‌زمان با تحلیل کمون، آینده‌نگری کمونیستی را تکامل می‌بخشد. لنین در این رابطه با نظریه ابورتونیستی «استحاله مسالمت آمیز» به سوسیالیسم که به ویژه کائوتسکی مبلغ آن بود، مقابله می‌کند. کائوتسکی منکر ضرورت درهم شکستن ماشین دولتی بورژوازی و انجامیدن انقلاب پرولتری به برپایی دیکتاتوری پرولتاریا بود. لنین در همین حال با خواست آنارشیستی محو فوری دولت مخالفت می‌ورزد و در بحث لنین با کائوتسکی، موضوع تنها پرسر این نیست که پرولتاریا به دولتی نیاز دارد، بلکه بیشتر بر سر آن است که ماهیت این دولت کدام است.

لنین، از آموزش مارکس دایر بر اینکه باید دولتی نوین و پرولتری ایجاد شود که مستلزم تلاشی ماشین دولتی کهنه بورژوازی و تاملین کننده گذار به جامعه بی طبقه کمونیستی است، دفاع می‌کند و آن را غنی می‌بخشد. انقلاب پرولتری، بر خلاف همه انقلابات دیگر، هرگونه استثمار را محو می‌کند و بنابراین باید ماشین دولتی کهنه‌ای را نیز که انقلابات قبلی دست نخورده گذاشتند - چرا که تنها حاکمیت یک گروه استثمارگر را به جای حاکمیت گروهی دیگر نشاندهند - درهم شکنند. انقلابات قبلی برای موفق شدن، اصولاً نیازی به تشکیل نوع جدیدی از دولت نداشتند. سلطنت، سلطنت مشروطه یا جمهوری دموکراتیک - همه این اشکال دولت وظیفه داشتند حاکمیت مالکیت خصوصی بر وسایل تولید و بنابراین استثمار و سرکوب خلق زحمتکش را تاملین کنند. درهم شکستن ماشین کهنه دولتی، وجه تمایز اصلی انقلاب سوسیالیستی از همه انقلابات قبلی است. بنابراین، این یک ضرورت تاریخی است که انقلاب سوسیالیستی، نوع جدیدی از دولت را ایجاد کند، چرا که پرولتاریا می‌تواند

بدون آنکه به داند با چه وسایلی قدرت خود را اعمال خواهد کرد، نمی‌تواند پیروز شود. شیوه زندگی اجتماعی کاملاً نوین انسانها که برپایه اجتماعی‌شدن وسایل تولید رشد می‌یابد، تعیین کننده نوع جدید دولت برای عصر گذار به کمونیسم نیز هست.

از این رو، این نه یک تصادف تاریخی و نه پدیده‌ای فرعی در روند انقلابی بود که در شرایط تاریخی نوین، شوراهای به عنوان شکل جدید مبارزه و سازماندهی پرولتاریا و سایر زحمتکشان، ایجاد شدند. لنین در اواخر سپتامبر ۱۹۱۷، پیش از پیروزی انقلاب پرولتری، در اثر خود بنام «آیا بلشویکها قدرت دولتی را حفظ خواهند کرد؟» نوشت، «اگر نیروی توده‌ای خلق طبقات انقلابی، شوراهای را ایجاد نکرده بود، انقلاب پرولتری در روسیه هیچ امیدی به پیروزی نمی‌داشت، چرا که پرولتاریا بدون تردید نمی‌توانست با ماشین کهنه، قدرت را حفظ کند، در عین حال یک دستگاه جدید را نیز نمی‌توان به یکباره ایجاد کرد.» (۲۲)

شوراهای که در سال ۱۹۰۵ ایجاد شده بودند، شکلی از سازماندهی بودند که خود توده‌های زحمتکش برای سازماندهی اعتصابات سیاسی توده‌ای، تظاهرات سیاسی و بالاخره قیام مسلحانه و مشارکت دادن همه کارگران در آن، آفریدند. ایجاد شوراهای پاسخ پرولتاریای روسیه، هم به تشدید سرکوب امپریالیستی و هم به ضروریات انقلاب پرولتری که با عامل اول پیوند داشتند، بود...

لنین، قدرت شورایی را دومین گام جهانی - تاریخی یا دومین مرحله جهانی - تاریخی دیکتاتوری پرولتاریا می‌نامد. کمون پاریس، نخستین گام بود. لنین تأکید می‌کند که قدرت شورایی، برشانه‌های کمون پاریس ایستاده است. کارگران فرانسه بهای نخستین تلاش برای برپایی یک حکومت کارگری را با قربانی‌های زیادی پرداختند. آنها هنوز فاقد دستگاه آماده‌ای برای اعمال قدرت سیاسی خود بودند. اما سربازان، کارگران و دهقانان روسیه با کمک شوراهای، به سمت انقلاب پرولتری هدایت شدند. نخستین حکومت سیاسی پیروزمند طبقه کارگر، در قالب قدرت شورایی تحقق یافت.

منابع

- ۱- نامه مارکس به یوزف وادمایر، ۵ مارس ۱۸۵۲، مندرج در مجموعه آثار مارکس و انگلس، ج ۲۸، ص ۵۰۷-۵۰۸.
- ۲- تاریخ حزب کمونیست اتحاد شوروی در شش جلد، ج ۲، کتاب اول، مسکو، ۱۹۷۱، ص ۲۶۶.
- ۳- لنین، دولت و انقلاب، در مجموعه آثار، ج ۲۵، ص ۲۹۶-۴۰۵، همانجا، ص ۲۹۸.
- ۴- لنین، یادداشت برای ل. ب. کامیف، در نامه‌ها، ج ۴، ص ۴۴۱.
- ۵- لنین، دولت و انقلاب، در مجموعه آثار، ج ۲۵، ص ۲۹۷-۳۱۸، همانجا، ص ۳۱۸-۳۱۹.
- ۶- رجوع کنید به مجموعه آثار، ج ۲۹، ص ۴۷۹-۴۸۰.
- ۷- لنین، دولت و انقلاب، در مجموعه آثار، ج ۲۵، ص ۴۰.
- ۸- همانجا، ص ۱۲.
- ۹- همانجا، ص ۴۲۴.
- ۱۰- مارکس - انگلس، مجموعه آثار، ج ۴، ص ۴۸۱.
- ۱۱- مارکس - انگلس، مجموعه آثار، ج ۸، ص ۱۹۷.
- ۱۲- لنین، دولت و انقلاب، در مجموعه آثار، ج ۲۵، ص ۴۱۸.
- ۱۳- رجوع کنید به جنگ داخلی در فرانسه اثر مارکس، در مارکس - انگلس، مجموعه آثار، ج ۱۷، ص ۲۲۸.
- ۱۴- همانجا، ص ۲۴۴.
- ۱۵- رجوع کنید به مجموعه آثار لنین، ج ۶، ص ۱۴، ص ۴۵، ۲۷.
- ۱۶- لنین، دولت و انقلاب، در مجموعه آثار، ج ۲۵، ص ۴۲۷.
- ۱۷- لنین، آیا بلشویکها قدرت دولتی را حفظ خواهند کرد؟ در مجموعه آثار، ج ۲۶، ص ۸۷.



دور از میهن

قتل پناهنده ۲۰ ساله ایرانی در آلمان فدرال

نجات دهند، اما با تهدید آن سه تن از کارکنان فروشگاه مردم نتوانستند کاری بکنند. کارمندی که دیوانه وار گلوی جوان ایرانی را فشار می داد، فریاد می زد، "من او را رها نمی کنم". پلیس بعد از مرگ جوان ایرانی به محل جنایت رسید. با انتقال جسد به بیمارستان، پزشکان نیز تایید کردند علت مرگ، خفگی ناشی از فشار دادن برگلو بوده است.

در پی پخش خبر این جنایت در شهر توپینگن، روز دوشنبه ۲ شهریور ماه پناهندگان مقیم این شهر، و تعداد زیادی از شهروندان و گروه های مترقی آلمانی و خارجی در اعتراض به این جنایت هولناکه تظاهراتی در مقابل فروشگاه مذکور برگزار کردند که در آن حدود ۶۰۰ نفر شرکت داشتند. تظاهرات کنندگان با شعار "گناه جوان مقتول موی سیاه او پود" ضمن افشای این جنایت نکانده شده، خواستار محاکمه قاتلین جوان ایرانی شدند.

روز چهارشنبه ۲۹ مرداد ماه یک پناهنده ۲۰ ساله ایرانی بنام کیومرث جوادی در یکی از فروشگاه های مواد غذایی شهر توپینگن (آلمان فدرال) توسط سه تن از کارکنان این فروشگاه بطور وحشیانه ای به قتل رسید. خبر این جنایت نکانده شده که پناه به اطلاع مطبوعات محلی و شهود حاضر در محل بر اساس یک اتهام مغرضانه صورت گرفته است، اعتراضات وسیع و گسترده پناهندگان و محافل مترقی آلمانی شهر توپینگن را برانگیخته است.

جوان ایرانی که در فروشگاه مذکور قصد خرید داشته، متعاقب حمله سه تن از کارکنان فروشگاه به قتل رسیده است. پناه به گزارش روزنامه محلی "این جنایت در مقابل چشمان دیگر مشتریان فروشگاه صورت گرفته است. در گزارش این روزنامه به نقل از مشتریان فروشگاه آمده است، مشتریان که شاهد جنایت بودند، با فریاد "رهاش کن خفه می شود" می خواستند جوان ایرانی را

استانبول:

رنج های گریختگان از جنگال خمینی

بیشتر مهاجرین را جوانانی تشکیل می دهند که از سربازگیری گریخته اند. اما در میان آنها، دختران جوان هم دیده می شوند. جهنم است، چه برای دختر، چه برای پسر، چه برای مرد و چه برای زن.

طبق برخی آمارها، ۷۰ درصد گریختگان از جهنم خمینی یا در ترکیه اند یا از طریق ترکیه به کشورهای دیگر رفته اند. تخمین های مختلف، حاکی از حضور ۸۰ هزار تا یک میلیون ایرانی در ترکیه است. هر ماه، ۸ هزار نفر دیگر بر این تعداد افزوده می شوند. تنها بخش کوچکی از این عده امکان مهاجرت به کشورهای دیگر را می یابند. اکثر کشورهای اروپای غربی، دیگر مهاجر نمی پذیرند و دروازه های خود را بسته اند. کیساریای پناهندگان سازمان ملل نیز سال گذشته تنها به ۱۰۵۰ پناهنده در ترکیه گذرنامه داد.

دروغ، کار کانگسترها و قاچاقچی های استانبول رونق گرفته است. این جماعت، با استفاده از درماندگی آوارگان، ثروتی به هم زده اند. آن ها شیوه جان پناهندگان را می کنند و اغلب، با پلیس ترکیه همدستی دارند. گاه پناهنده تا آخرین ریال وسعت دارایی اش را می دهد، اما از پاسپورت و ویزای وعده داده شده، خبری نمی شود. در فرودگاه ها، کنترل شدیدی برقرار کرده اند تا مبادا کسی به مقصد کشورهای اروپایی پرواز کند.

ترکیه، برای صدها هزار ایرانی، به پستی تبدیل شده است. به یاری هم وطنان آواره مان در این کشور بشتابیم. با اعمال فشار بر مجامع بین المللی، با انعکاس وضعیت دردناک پناهندگان ایرانی در ترکیه، با رساندن کمک به آنها به وظیفه خود عمل کنیم!

حکایت خیل عظیم ایرانیانی که از جنگال جنگ و سرکوبگری خمینی گریخته و در ترکیه پناه جسته اند، اکنون در برخی مطبوعات غرب نیز انعکاس یافته است. حکایت درپردری ها، مصیبت های غربت، عدم امکانات مالی و زیستی و... حکایت انسان هایی که توانسته اند تنها چیزی را که برایشان باقی مانده، یعنی جان خود را، بردارند و برای یافتن مکانی کمابیش امن، سر به کوه و بیابان بگذارند. حکایت تکان دهنده ای از جنایت پیشکی آخوندها و بی اعتنائی وقیحانه مدعیان "حقوق بشر" به سرنوشت قربانیان جنگی که خود از آن سود می برند، قربانیان رژیمی که خود با آن پاپ مراوده دارند. در این میان روزنامه، گوشه هایی از وضعیت ایرانیان مقیم، یا بهتر بگوییم آواره در ترکیه، بازتاب می یابد.

سه محله استانبول آکسارای، لالی و پاییزید، پر از ایرانی است. مهاجرین، هر یک سرگشته داشته اند. علی، چهارده ساله، در حالی که بر بازوی او زخم گلوله دیده می شود، به استانبول می رسد. همراه با برادر بزرگترش حسن می خواستند از راه کوه وارد ترکیه شوند که پاسداران به طرفشان تیراندازی می کنند. حسن از ناحیه پا زخمی می شود و پاسداران دستگیرش می کنند. مادر دردمندش، او را در زندانی در یکی از شهرهای شمال ایران باز می یابد، به "جرم" تلاش برای گریز از جهنم، آویزان کرده اند، پشت او از ضربات شلاق آتش و لاش شده است.

قاچاقچیان برای نشان دادن راه، از هر مهاجر ۲ تا ۳ هزار دلار پول می گیرند. تازه هر کس باید بخت بارش باشد و به جنگ پلیس ترکیه نیافتد. با آخرین بازمانده داراییش را از جیبش بیرون می کشد و یا او را تحویل گزمنان خمینی می دهند.

از مبارزات پناهندگان ایرانی در ایالت

بایرن آلمان فدرال بطور فعال حمایت کنیم!

فردگی صفوف پناهندگان، حول مطالبات فوری آنان پرداخته می شود. بطوریکه در گزارشهای متعدد بقیه در صفحه بعد

جنبش پناهندگان سیاسی ایرانی در ایالت بایرن آلمان فدرال که از اوایل سال جاری برای استیفای حقوق قانونی و انسانی پناهندگان اوچ گرفته است، روز بروز در نتیجه

کیمیان

صفحه ۱۹
پنجشنبه ۵ شهریور ۱۳۶۶
۲۴ مهر ۱۳۶۸
۲۷ آبان ۱۳۶۸ - شماره ۱۳۱۱۳

بن سحرگزاری جمهوری اسلامی؛
یک ایرانی متقاضی پناهنده گی در آلمان غربی که علت فقر و دزدی مواد غذایی از یک سوپرمارکت زده بود، توسط "کارمندان" آن سوپرمارکت کشته شد. این ایرانی فراری که فاش کیومرث جوادی نام شده همراه با همسرش در یکی از دوکانه های پناهنده گاه در آلمان در شهر دانگنهای توپینگن دریاگان تیفال زندگی می کرد و متقاضی پناهنده گی سیاسی بود.

بر اساس گزارش روزنامه های محلی: جوادی که روزی ۲ مارک پول توجیبی از دولت برای امرار معاش می گرفت، به علت فقر وارد منازل مواد غذایی نان کوخ شده

خبرگزاری دولتی جمهوری اسلامی نیز خبر قتل فجیع کیومرث جوادی را منتشر کرده است. قلم به مردان جمهوری اسلامی که نمی خواستند خرسندی خاطر خود را از قتل این "ایرانی فراری" پنهان نمایند، به تکرار افترای قاتلین مبنی بر قصد دزدی این پناهنده برداختند.

روزنامه های دولتی ایران، اخیرا با انتشار گوشه هایی از مصائب پناهندگان سیاسی ایرانی، تلاش می ورزند که جهنم خمینی را "دلپذیر" تر از جهنمی بنمایانند که دولتهای دست راستی در اروپا، ترکیه، پاکستان و... در همدستی با رژیم خمینی، برای پناهندگان ایرانی فراهم ساخته اند. اما آن کسانی که ناگزیر از پذیرش مهاجرت گردیده اند، رنج زندگی در غربت را با تشدید مبارزه علیه رژیم سفاکی پاسخ می گیرند که میهن ما را برای مردمش به جهنمی بدل ساخته است.

هائیتی: مبارزه علیه دیکتاتوری جدید

بقیه از صفحه آخر

هائیتی، نیرومندترین حزب سیاسی چپ این کشور است. این حزب در "کمیته ۵۷" عضویت ندارد، اما نقش آن در تظاهرات و اعتصابات توده‌ای انکارناپذیر است. حزب مزبور خواهان تشکیل شورای جدید حکومتی با شرکت نمایندگان منتخب کمیته‌های مردمی از همه ۹ استان هائیتی است.

کمیته‌های مردمی، ارگانهای خودجوشی هستند که در ماه‌های پس از سرنگونی رژیم دووالیه در شهرها و روستاها تشکیل شده‌اند. این کمیته‌ها نقش تعیین‌کننده‌ای در برگزاری تظاهرات اعتراضی و اعتصابات عمومی دارند و اخیراً همکاری خود را به سطح سراسری ارتقا داده‌اند. در بسیاری از مناطق، کمیته‌های مردمی از برگزاری طرفداران دووالیه به مقامات محلی جلوگیری کرده‌اند.

علت رادیکال شدن جنبش ضد دیکتاتوری در هائیتی، علاوه بر زوده شدن توهّمات درباره برقراری دیکراسی و مجازات عوامل دووالیه تحت حکومت همین رژیم، وخامت روزافزون اوضاع اقتصادی و اجتماعی و عدم انجام اصلاحات در این عرصه است.

۷۰ درصد بیکاری

در هائیتی ۷۰ درصد جمعیت قادر به کار، از داشتن شغل محرومند. ديمقانانی که خانه خراب شده‌اند، پیوسته محلات زاعه‌نشین اطراف پورت اوپرنس پایتخت هائیتی را کسترش می‌دهند. در میان این گروه از مردم، درآمد متوسط سالانه تنها ۷۵ دلار است.

شورای نظامی حاکم، قصد دارد تا انتخابات ریاست جمهوری در ماه نوامبر، قدرت را حفظ کند. اپوزیسیون هائیتی، مخالف برگزاری انتخابات تحت کنترل رژیم ژنرال نامفی است. برای جلوگیری از انجام انتخابات نمایشی، تلاشهایی در صفوف اپوزیسیون در جهت توافق بر سر پلتفرم مشترک آغاز شده است. آنچه مسلم است، این است که اگر هم مردم نتوانند جلوی انتخاب رئیس جمهور جدید تحت کنترل رژیم فعلی را بگیرند، رئیس جمهور آتی نیز در برابر این خواستهای جنبش مردمی قرار خواهد گرفت. برقراری دیکراسی، مبارزه با بقایای رژیم دووالیه، اصلاحات ارضی، تجدید توزیع درآمدها و توسعه اقتصادی ●

تظاهرات ماه ژوئیه فریاد می‌زدند: "مرگ بر شورای نظامی، مرگ بر نامفی، مرگ بر وزرای دووالیه‌ای" و "مرگ بر ریگان". روزنامه هرالد تریبون در روز ۱۵ ژوئیه گزارش داد مردم در تظاهرات خود پرچم آمریکا را آتش زده و شعار می‌دادند: "مرگ بر آمریکا، زنده باد کمونیسم!"

بسیاری از سرکردگان رژیم دووالیه وزرای او به کشور بازگشته‌اند. به نوشته روزنامه اومانیتیه، رنه تئودوره دبیر کل حزب متحد کمونیستهای هائیتی خاطر نشان کرده است که عوامل پانده سیاه "تون-تون ماکوت" در همه ارگانهای دولتی حضور دارند و مسلحند.

یکی از مراکز ضد حمله طرفداران دووالیه، شمال غربی هائیتی است. در این منطقه، الیکارشی ارضی با یاری چستن از پاندهای سیاه به سرکوب خشن جنبش ديمقانی روی آورده است. همانگونه که در شماره ۱۶۸ نشریه گزارش دادیم، هنگامی که در اواخر ژوئیه در شهر ژان رابل ديمقانان برای بازپس گرفتن اراضی به تاراج رفته‌شان در زمان حکومت دووالیه دست به تظاهرات زده بودند، پانده "تون-تون ماکوت" با حمله به این تظاهرات حمام خونی به راه انداخت. این جنایت، نزدیک به ۲۰۰ قربانی از میان ديمقانان گرفت.

افزایش نفوذ کمیته‌های مردمی

علیرغم عقب نشینی رژیم و لغو قریبان انتخابات، اعتراضات توده‌ای در تمام طول ماه ژوئیه ادامه یافت. اعتصابات با هدف به زیر کشیدن رژیم از سوی ۵۷ سازمان سیاسی و سندیکایی موزلف (که اکثر آنها سازمانهای با سمت گیری بورژوازی هستند) رهبری شد.

در اپوزیسیون هائیتی، هنوز در مورد آلترناتیو رژیم فعلی اتفاق نظر وجود ندارد. در مثنی‌الیه سمت راست طیف مخالفان نامفی، "مجمع ديمقانهای ملی ویشرو" قرار دارد که تنها خواهان کسترش شمار اعضای شورای حکومتی از ۲ به ۷ است. اما سایر نیروهای اپوزیسیون نیز که خواستار انحلال شورای حاکمند، درباره ترکیب حکومت آتی اختلاف دارند.

حزب متحد کمونیستهای

از مبارزات پناهندگان ایرانی...

بقیه از صفحه قبل

مبارزه بی‌وقفه پناهندگان سیاسی ایرانی در این ایالت هرچند که تاکنون در مواردی به نتایج مثبتی منجر شده است، اما مسئولین محلی این ایالت هنوز در مقابل عمده‌ترین مطالبات قانونی برحق پناهندگان مقاومت می‌کنند و با تہلیلغات زهرآگین علیه آنان، کماکان به نقض خشن حقوق پناهندگی و سیاست اعمال فشار ادامه می‌دهند. پناهندگان ایرانی برای مقابله با این سیاستهای غیرانسانی دولت بایرن و در راستای تداوم مبارزات خود، طی اطلاعیه‌ای که اخیراً منتشر کرده‌اند، اعلام نموده‌اند روز ۱۵ سپتامبر مقارن با روز بازگشایی پارلمان این ایالت، باردیکر با سازماندهی یک راهپیمایی اعتراضی خواستار رسیدگی فوری به مطالبات قانونی و انسانی خود خواهند شد. این اطلاعیه را که "شورای ممانعتی لاکرهای معترض استان بایرن" صادر کرده است، ساکنین خوابگاههای دسته‌جمعی پیش از ۱۲ شهر این استان امضا کرده‌اند. ●

نشریه "اکثریت" از مبارزات پناهندگان این ایالت نوشته‌ایم، تا به امروز پناهندگان ایرانی در این ایالت، برای اعتراض به تضييقات غیرقانونی و غیرانسانی مسئولین امر حرکت‌های اعتراضی متعدد و پرنمودی را سازمان داده‌اند و توانسته‌اند در جریان این مبارزات به ایجاد چندین تشکل پناهندگان موفق گردند. اکنون اعتراضات پناهندگان سیاسی این ایالت عمدتاً حول مطالبات فوری زیر متمرکز است:

- ۱ - کوتاه شدن پلانتکلیفی و رسیدگی هرچه سریعتر به درخواست‌های متقاضیان پناهندگی سیاسی و ارسال سریع جوابها
- ۲ - انسانی کردن شرایط زیست متقاضیان پناهندگی سیاسی بویژه در موارد زیر:
 - الف) انتقال آنها از خوابگاههای غیرقابل سکونت به منازل مسکونی
 - ب) حق انتخاب مواد غذایی با پرداخت پول به جای تحمیل چیره خشک

جوانان در قربانگاه تحقیق

از نامه يك دختر ایرانی

"وقتی دیپلم گرفتم معدل خیلی خوب بود، حدود ۱۹. ولی همانسال مصادف شد با این انقلاب فرهنگی لعنتی و دانشگاهها تعطیل شد. خیلی دلم میخواست در رشته پزشکی ادامه تحصیل بدم. چه کنیم که دانشگاهها تعطیل نشد."

بعد از باز شدن دوباره دانشگاهها، کنکور را دادیم. امتحانات خوب هم شد. اما نتیجه منفی بود. قبول نشدم. پس از پرس و جو معلوم شد که در تحقیق رد شده‌ام. سال بعد بازم امتحان دادیم. کنکور دوم مرحله‌ای بود. مرحله اول قبول شدم. همه خیلی خوشحال شدند. من خوان اول را گذراندم. باز دله‌ره و ناراحتی داشتم دوباره شروع کردم برای کنکور مرحله دوم خواندن. اینبار برایم خیلی خسته‌کننده بود. در امتحان مرحله دوم هم موفق نبودم ولی وقتی جواب آمد در لیست قبولی نبودم... بعد از مراجعه به ادارات مختلف و پرس و جوها نامه‌ای به من دادند که در آن نوشته بود صلاحیت اخلاقی ندارم.

بعد از باز شدن دوباره دانشگاهها، کنکور را دادیم. امتحانات خوب هم شد. اما نتیجه منفی بود. قبول نشدم. پس از پرس و جو معلوم شد که در تحقیق رد شده‌ام. سال بعد بازم امتحان دادیم. کنکور دوم مرحله‌ای بود. مرحله اول قبول شدم. همه خیلی خوشحال شدند. من خوان اول را گذراندم. باز دله‌ره و ناراحتی داشتم دوباره شروع کردم برای کنکور مرحله دوم خواندن. اینبار برایم خیلی خسته‌کننده بود. در امتحان مرحله دوم هم موفق نبودم ولی وقتی جواب آمد در لیست قبولی نبودم... بعد از مراجعه به ادارات مختلف و پرس و جوها نامه‌ای به من دادند که در آن نوشته بود صلاحیت اخلاقی ندارم.

یک روز بستگی نامه‌ای بدستم داد. باور کنید دستم می‌لرزید. اصلاً نمی‌توانستم به خودم مسلط بشوم. با خودم گفتم بالاخره روزهای پلانتکلیفی تمام شد. ناراحت نباش. پاکت را باز کردم به دوزبان ترکی و انگلیسی نوشته بود "قبول نشده‌اید" بهت زده شدم. امسال اصلاً در مورد قبولی‌ام تردید نداشتم...

دیگر اقامتم هم تمام شده می‌بایست به قبرس می‌رفتم که پلیس هواپیما گیر نیاردم. تصمیم گرفتم که به جایی شوم. حالا اگر به تورپلیس هم بخورم نمی‌دانم چه خواهد شد.

اینجا هیچکس را ندارم نمی‌دانم چه کار کنم. آبی‌می‌توانم بادست خالی به ایران برگردم... ●

پیروز باد مبارزه خلق در راه سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی!

جنايت هولناك صهيونيستهار در لبنان

روز شنبه ۱۵ شهریور نیروی هوایی اسرائیل با تجاوز به لبنان اردوگاه فلسطینی عین الحلو در نزدیکی بندر صیدا را به خون کشید. در این حمله چنانچه کارانه ۵۰ تن از ساکنان اردوگاه - که بیشتر آنها را زنان و کودکان تشکیل می دادند - کشته شدند. حمله هوایی اسرائیل به اردوگاه عین الحلو در این روز پنج بار متوالی تکرار شد. راهزنان صهیونیست طی این حملات با استفاده از راکت، اردوگاه را به آتش کشیدند.

کمیسیون آشتی ملی در نیکاراگوئه

مطابق با تصمیمات اجلاس سران پنج کشور آمریکای مرکزی، سه شنبه اول سپتامبر در نیکاراگوئه "کمیسیون آشتی ملی" فعالیت خود را آغاز کرد. ریاست این کمیسیون برعهده میگوئل اوپاندوای پراو اسقف اعظم ماناگوآ است. در این کمیسیون همچنین سرخس رامیرز معاون رئیس جمهور نیکاراگوئه و چند شخصیت اپوزیسیون پارلمانی این کشور عضویت دارند. رامیرز طی یک کنفرانس مطبوعاتی در ماناگوآ اعلام کرد طبق مصوبه اجلاس ۵ کشور در کوتامالا، دولت نیکاراگوئه تازمانی که شورشیان سلاحهای خود را به زمین نگذاشته اند، با این گروهها مذاکره نخواهد کرد.

اخبار کوتاه

● در کشور کوچک بوروندی که در مرکز آفریقا، بین ژنرال رواندا اوتانزایا واقع شده است، کودتایی بدون خونریزی صورت گرفت. در روز پنجشنبه سوم سپتامبر، فرماندهان ارتش، ژان باییتیت باکازا رئیس جمهور بوروندی را که برای شرکت در اجلاس سران کشورهای فرانسوی زبان در کانادا به سر می برد، از همه سمت هایش برکنار کردند. باکازا خود یازده سال پیش با یک کودتا قدرت را به دست گرفته بود. در سال های اخیر روابط بوروندی و ژنرال روپه تیرگی نهاده بود.

● عوامل رژیم دیکتاتوری اشتروئز در پاراگوئه، با حمله به تظاهرات مخالفان در آسونسیون پایتخت این کشور، این تظاهرات را متفرق کردند. پلیس رژیم فاشیستی اشتروئز چند تن از رهبران تظاهرات را بازداشت کرد. رژیم اشتروئز که از سال ۱۹۵۴ زمام امور را در پاراگوئه در دست دارد، همراه با رژیم پیئوشه در شیلی بعنوان سرکوبگرترین حکومت آمریکای لاتین شناخته شده است. اشتروئز رئیس جمهور پاراگوئه قصد دارد در سال ۱۹۸۸ خود را برای هشتمین دوره متوالی رئیس جمهور اعلام کند. این نقشه ژنرال اشتروئز، به ابراز مخالفت هایی حتی در درون حزب فاشیست "کلرادو" انجامیده است.

● ۴۸ هزار کارگر راه آهن در کانادا از روز یکشنبه ۲۲ اوت اعتصاب نامحدودی را برای تحقق افزایش دستمزد آغاز کرده اند. این اعتصاب، رفت و آمد قطارها را در همه مسیرهای طولانی و نیز مسیرهای کوتاه در منطقه مونترآل و تورونتو متوقف کرده است.

دور جدید مذاکرات افغانستان و پاکستان

افغانستان فراخوانده شوند. در آستانه دور جدید مذاکرات ژنو، بولی ورونسوف معاون وزارت خارجه شوروی به کابل سفر کرد و ضمن مذاکراتی با عبدالوکيل وزیر امور خارجه جمهوری دمکراتیک افغانستان به بررسی راههای حل و فصل اوضاع پیرامون افغانستان پرداخت. رادیوی به اصطلاح افغانستان آزاد که از سوی سازمان سیا آمریکا راه اندازی شده است، از روز ۱۵ شهریور زمان برنامه های خود را دوباره بر کرد. در این ایستگاه رادیویی، ضد انقلابیون افغانی تحت نظارت متخصصان آمریکایی جنگ سر فعالیت می کنند.

پایان اعتصاب معدنچیان آفریقای جنوبی

معادن جهانند. به گزارش سازمان بین المللی کار، در فاصله ۱۹۷۲ تا ۱۹۸۴ نزدیک به ۸۵۰۰ معدنچی سیاهپوست در آفریقای جنوبی جان خود را در سوانح کار از دست داده اند.

در روز سه شنبه اول سپتامبر، رژیم آپارتاید مرتکب جنايت جدیدی شد. در زندان مرکزی پرتوریا، موزس میناندا یانیتس، ۲۱ ساله و ملائلی ولینگتون میلپس، ۲۲ ساله که در نوامبر ۱۹۸۶ به علت عضویت در شاخه نظامی کنگره ملی آفریقا به مرگ محکوم شده بودند، به دار آویخته شدند. کنگره ملی آفریقا بدنبال این جنايت اعلام کرد انتقام جان این دو میهن پرست را خواهد گرفت. اندکی پس از اعدام دو عضو کنگره ملی آفریقا، در چندین شهر آفریقای جنوبی تظاهراتی علیه رژیم آپارتاید برپا شد. پلیس با حمله به این تظاهرات یک تن را کشته و ۱۵ تن را مجروح کرد.

بدنبال قتل ناخواسته دو انقلابی، خطر مرگ، ترزا راماشامول، زن مبارز ۲۵ ساله را که توسط پیدادگاه رژیم آپارتاید به اعدام محکوم شده است، تهدید می کند. وی از ۱۶ ماه پیش در "سلول مرگ" زندان مرکزی پرتوریا به سر می برد.

گسترش حملات پلیس کره جنوبی به کارگران اعتصابی

پلیس علیه معدنچیان اعتصابی به گاز اشک آور متوسل شد و ۱۰۵ تن از آنان را بازداشت کرد. در سئول، یکی از رهبران اعتصاب را اندک آن تاکسی در اعتراض به کارفرمایان اقدام به خودسوزی کرد. در حال حاضر ۱۵۲۰۰ راننده تاکسی در سئول دست به اعتصاب زده اند.

شمار کارخانجاتی که دستخوش اعتصاب شده اند، از ۷۰۰ تجاوز کرده است.

در چندین دانشگاه کره جنوبی نیز طی هفته گذشته تظاهراتی علیه رژیم چون دوهوان انجام گرفت. نزدیک به ۴ هزار تن از دانشجویان دانشگاه سئول طی تظاهراتی خواهان آزادی زندانیان سیاسی و تشکیل دولت جدید شدند. پلیس به این تظاهرات حمله کرد.

روئایو رهبر حزب حاکم "عدالت دمکراتیک" و کیم یونگ سام از رهبران اپوزیسیون پروژوایی کره جنوبی توافق کردند که پیش از ۲۰ دسامبر سال جاری، انتخابات مستقیم ریاست جمهوری در این کشور انجام پذیرد.

در روز دوشنبه ۱۶ شهریور در ژنو، دور جدید مذاکرات غیرمستقیم وزرای خارجه افغانستان و پاکستان آغاز می شود. فراخوانی نیروهای شوروی از افغانستان و بازگشت آوارگان افغانی به کشورشان، در دستور کار این مذاکرات که به میانجی گری نماینده دبیرکن سازمان ملل انجام می گیرد، قرار دارد. اتحاد شوروی اعلام کرده است در دور بعدی مذاکرات، در باره برنامه زمان بندی شده خروج نیروهای این کشور از افغانستان گفتگو به عمل خواهد آمد. در دور قبل، افغانستان و پاکستان توافق کردند نیروهای اتحاد شوروی ظرف مدتی کمتر از یک سال از

طولانی ترین اعتصاب تاریخ آفریقای جنوبی که سه هفته به طول انجامید، در روز یکشنبه ۲۰ اوت پایان یافت. طبق توافقی که میان نمایندگان سرمایه داران و رهبری سندیکای کارگران معادن حاصل شد، دستمزد کارگران سیاهپوست معادن ۱۵ تا ۲۳/۴ درصد افزایش خواهد یافت. قرار است اکثریت ۵۰ هزار کارگری که در طول اعتصاب توسط شرکت های دارنده معادن اخراج شده بودند، به سرکار خود بازگردند.

سیریل رامافوزا، دبیرکن اتحادیه ملی معدنچیان که این اعتصاب را سازماندهی کرده بود، پس از پایان اعتصاب گفت سه هفته مبارزه کارگران، توان سازماندهی سندیکای آنان را نشان داد. وی افزود تصمیم به پایان اعتصاب، برای جلوگیری از اخراج شمار بیشتری از کارگران اتخاذ شد.

در یک سانحه در معدن طلای سنت هلنای آفریقای جنوبی، ۵۰ کارگر کشته شدند. این سانحه شامگاه دوشنبه ۲۱ اوت روی داد. انفجاری در یکی از تونل های معدن، دهها کارگر را که در عمق ۹۰۰ متری زیر زمین کار می کردند، مدفون کرد. اتحادیه ملی معدنچیان، این سانحه را دلایلی دیگر بر این امر دانست که معادن آفریقای جنوبی، خطرناکترین

در روز جمعه چهارم سپتامبر، دولت کره جنوبی دستور حملات گسترده پلیسی علیه اعتصابات کارگری را صادر کرد. در نخستین ساعات همین روز، ۲ هزار تن از نفرات پلیس به کارخانه اتومبیل سازی دای وونگ دومین کارخانه از این نوع در کره جنوبی است و در نزدیکی سئول قرار دارد، حمله کردند. ۱۲۵ کارگر اعتصابی دستگیر شدند. در بندر جنوبی اولسان نیز پلیس به کارگران متحصن در اسکله خشکی سازی میوندای یورش برد و ۹۰ نفر از آنان را بازداشت کرد. در این حمله علیه ۸ هزار کارگر اعتصابی، پلیس از نارنجک های گاز اشک آور بهره گرفت.

در روز پنجشنبه سوم سپتامبر، یک کارگر اعتصابی در اولسان هنگامی که همراه با چند کارگر دیگر قصد متوقف کردن کامیونی را داشت، به قتل رسید. چهار کارگر دیگر مجروح شدند. بلافاصله پس از این حادثه، ۲۰ هزار کارگر دست به راهپیمایی زدند. راهپیمایی کارگران به درگیری با پلیس انجامید. در یونگ یام واقع در شرق کره جنوبی نیز

بیداد قرون وسطایی در روستاهای خوزستان

با پاسداران و ژاندارم ها و در همان سال، درگیری دهقانان و عوامل شیخ و فئودال و رژیم در باغملک (چانگی) واقع در اطراف شهر ایذه و چندین درگیری مسلحانه و خونین دیگر به کشته و زخمی شدن ده‌های از روستائیان زحمتکش منجر گشت. در جریان این یورشهای سبانه تعداد زیادی از دهقانان دستگیر و به حکم دادگاههای حامی شیوخ و فئودالها زندانی شدند.

بلور کلی رژیم طی این سالها باتمام قوا کوشید که شیوخ و فئودالها را بر سرنواشت روستاهای خوزستان حاکم کند. در این راه، سرکوب و حشیانه مقاومت عادلانه و بهرحق روستائیان زحمتکش، تنها چاره رژیم برای "حل" مسئله زمین در این استان بود، و هر چاکه روستائیان ستمکش به مقاومت برخاستند نیروی سرکوب رژیم و عوامل مزدور شیوخ و فئودالها و حشیانه با آنان مقابله کردند. در نتیجه این سیاست رژیم، فئودالها توانستند با در دست داشتن اسنادی که عمدتاً متعلق به قبل از سالهای ۴۰ بودند به اکثر زمینهای مرغوب کشاورزی چنگ اندازند، اما از آنجا که آنان برای کشت زمین به روستایی نیاز داشتند و روستایی دیگر در به مزدوری شیخ و فئودال نمی‌داد، عمده زمینها را تبدیل به باغ مرکبات کردند.

کشتزارهای خوزستان در چنگ، سرمایه داران بازار

در نتیجه استرداد زمینهای کشاورزی در مقیاس وسیع به شیوخ و فئودالها، سیاست کشاورزی خوزستان دچار تحولاتی در راستای سیاست کشاورزی رژیم گردید. اکنون کشت پلاستیکی محصولات سودآور، مشخصه عمومی کشاورزی در خوزستان است. کشت پلاستیکی بطور عمده در زمینهای اطراف اهواز بقیه در صفحه ۸

بر دل خاک روستاهای ستم زده خوزستان، فقیهان حاکم، شیوخ ستمگر، فئودالهای چانی، پاسداران سرکوبگر، ژاندارم ها... و جنگ چپنی و ویرانگر آنچنان شیارهای عمیق زخم نشاندند که هم اینک جای جای مزارع و کشتزارهای بارآور این سرزمین بازتاب بیداد قرون وسطایی است. در زیر نگاه کوتاهی به این تابلو درد و فاجعه می‌افکنیم.

بازگشت شیوخ و فئودالها و مبارزات دهقانان

روند واگذاری زمینهای کشاورزی به شیوخ و فئودالها از اواخر سال ۶۲ در خوزستان سرعت فوق العاده‌ای گرفت. شیوخ و فئودالها با حمایت موسوی جزایری امام جمعه و نماینده خمینی در خوزستان و نیز با توجه به نفوذی که در دادگاه صلح داشتند، بی‌دری به گرفتن حکم تخلیه زمینها موفق می‌شدند. اما آنان برای مراجعه به زمین، به زمینی که خاک آن با عرق و نجس دهقان زحمتکش در زیر آفتاب سوزان خوزستان آبیاری می‌شد، نیاز به تفنگ داشتند و به نیروهایی که مقاومت روستائیان را در هم بشکند. پاسداران سرکوبگر و ژاندارم ها و تفنگهای آنان مجری این احکام فقیهان، و حامی شیوخ و فئودالها بودند.

در فاصله سال ۶۲ تا ۶۵، اکثر زمینهای کشاورزی خوزستان، عرصه برخورد های خونین روستائیان زحمتکش با شیوخ و فئودالها و عوامل آنان بود. درگیری دهقانان روستاهای اطراف ماهشهر و سرپند (خلف آباد و رامشیر) با شیوخ و عوامل سرکوب رژیم در زمستان ۶۴، درگیری خونین روستائیان چنت مکان و کنار پیر واقع در اطراف شهر شوشتر



«دولت و انقلاب» رهگشای انقلاب

به پیشواز هفتادمین سالگرد آکتریزگ

«دولت و انقلاب» هفتاد ساله شد. زادروز این اثر بزرگ لنین، که در ماههای ثوفانی اوت و سپتامبر ۱۹۱۷ به رشته تحریر درآمد، مناسبتی است تا با معرفی کوتاه آن، به پیشواز برگزاری هفتادمین سالگرد انقلاب کبیر سوسیالیستی اکثر، سرفصل عصری نوین در تاریخ بشر بروریم.

انتشارات سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، به زودی در چارچوب سلسله جزوات «دیباچه‌ای بر آثار چاودان»، «مقدمه بر دولت و انقلاب اثر لنین» را در دسترس

هائیتی: مبارزه علیه دیکتاتوری جدید

ژوئیه برگزار شد، این مانور راها شکست مواجه کرد. «فرمان انتخابات» در روز سوم ژوئیه از سوی شورای نظامی پس گرفته شد. حکومت نظامی همچنین ناچار گردید ممنوعیت «مرکز مستقل کارگران هائیتی» را که در جریان اعتراضات اعلام شده بود، لغو کند.

با این حال، شورای نظامی حاکم توانسته است با حمایت ایالات متحده قدرت را در دست خود حفظ کند. ریچارد هولویل، مسئول بخش کارائیب وزارت خارجه آمریکا، اعلام کرده است که ژنرال نامفی از نظر واشنگتن مناسب‌ترین کسی است که می‌تواند به «دمکراتیزه کردن» هائیتی تحقق بخشد.

به خاطر همین حمایت بی‌شائبه دولت ریگان از نامفی است که مردم هائیتی بطور فزاینده‌ای مسئولیت جنایات ارتش ویلیس در سرکوب و تظاهرات مردمی، ادامه فعالیت طرفداران دووالیه دیکتاتور منفور سرتگون شده در مقامهای دولتی و تجدید سازماندهی نیروی شبه نظامی سرکوبگر دووالیه پانام «تون تون ماکوت» را بر عهده آمریکایی دانند. برخلاف مبارزات علیه دیکتاتوری دووالیه، جنبش مردمی حاضر بگونه‌ای روز افزون جنبه رادیکال و ضد آمریکایی به خود می‌گیرد.

نشانه‌ای بر این امر، شعارهای تظاهرات مردمی است. به گزارش روزنامه فرانسوی لوموند، مردم در بقیه در صفحه ۱۴

اواخر ماه اوت، احزاب سازمانهای سیاسی و صنفی مخالف رژیم دیکتاتوری ژنرال هائری نامفی در هائیتی ائتلاف گسترده‌ای پانام «کمیت ۵۷» تشکیل دادند. هدف از این اتحاد برقراری دموکراسی در هائیتی است. اقدام مزبور به دنبال اعتصابات و تظاهرات گسترده‌ای صورت گرفت که در ماههای ژوئن و ژوئیه سال جاری، ۱۸ ماه پس از سرنگونی رژیم خون آشام دووالیه، هائیتی را تکان داد.

اعتراضات تاپستان اسال، گسترده‌ترین مبارزات توده‌ای علیه رژیم جدید از هنگام روی کار آمدن به شمار می‌رفت. هدف از اعتراضات مزبور، به زیر کشیدن «شورای ملی حکومتی» به ریاست ژنرال هائری نامفی بود. انگیزه حرکت های ژوئن و ژوئیه، تصمیم ۲۲ ژوئن شورای نظامی حاکم بود که علیرغم تصریح قانون اساسی جدید که نظارت بر انتخابات شهرداریها در ماه اوت و انتخابات ریاست جمهوری و پارلمان در ماه نوامبر سال جاری را بر عهده یک شورای مستقل گذاشته است، اعلام کرد که خود کنترل رای گیری را در دست خواهد داشت. از این طریق، نظامیان درصدد برآمدند تا با برگزاری یک انتخابات تقلبی با پوشش دمکراتیک، پاردیکر «دووالیه ایسم» را بر هائیتی حاکم کنند. نخستین اعتصاب عمومی در هائیتی که اواخر ژوئن و اوایل

AKSARIYAT
NO. 173
MONDAY, 7 SEP, 87

آدرس: **Address:**
RUZBEH
POSTFACH 1810
5100AACHEN
W. GERMANY

حساب بانکی:
AUSTRIA - WIEN
BAWAQ
(BANK FÜR ARBEIT UND WIRTSCHAFT)
NR. 02910701.650
DR. GERTRAUD ARTNER

با جمع آوری کمک مالی
فدائیان خلق را در انجام
وظایف انقلابی
یاری دهید